



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
 ۷ اسفند ۱۴۰۳ • ۲۶ شعبان ۱۴۴۶ • 25 Février 2025
 ۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره پانصد و سی و شش
 www.asrghanoon.ir

نور کروز

خیز ایران خودرو برای افزایش قیمت با مدیریت کروز

عادل پیرمحمدی در کنفرانس پرسش و پاسخ سهامداران و مدیران این شرکت که دیروز برگزار شد، گفت: در ماه‌های قبل با حمایت وزارت صنعت، معدن و تجارت بخشی از عقب ماندگی قیمت خودرو جبران شد. وی افزود: اما به فاصله دو هفته بعد از اصلاح قیمت‌ها نرخ ارز افزایش یافت. مدیرعامل جدید ایران خودرو اظهار داشت: در حال حاضر قیمت ارز مرکز مبادله از ۴۲ هزار تومان به حدود ۷۰ هزار تومان افزایش رسیده است بنابراین نرخ نهاده‌های تولید هم با همین نسبت افزایش یافته است و لذا اکنون محصولات تولیدی شرکت در زیان رفته است. پیرمحمدی بیان داشت: باید متناسب با افزایش قیمت نهاده‌ها قیمت خودرو نیز افزایش یابد که اگر این اتفاق نیفتد نمی‌توان به‌طور مطلوب برنامه‌های توسعه‌ای را پیش برد.

کدام هزینه؟ دیگری کیست؟



دیگری، در این روند، دشمنان متجاوز هستند و نه ملت‌های هم‌دل و هم‌سرنوشت منطقه. هزینه‌ای هم اگر پرداخت شده، شرافت بوده است و آنان که بهره‌ای از شرافت ندارند، چه چیزی برای هزینه دادن دارند؟!

۲

اعتماد به نفس ملی، بزرگترین دستاورد فرهنگی انقلاب



امروزه مخالفان به راحتی در مورد براندازی جمهوری اسلامی حرف می‌زنند در حالی که قبل از انقلاب از چنین موهبتی برخوردار نبودند، بدانند حتی حرفی که در مورد براندازی نظام می‌زنند، متأثر از انقلاب اسلامی است.

۳

ان‌اعلی‌العهد



نگهبانان یقه سفید و چکمه پوش‌شان هزاران تن بمب بر سر مردم بی‌گناه فرو می‌ریزند و عالمان مجاهد را با هشتاد تن بمب به شهادت می‌رسانند و از ناحیه آن روشنفکر نماهای بشر دوست هیچ شکوه و اعتراضی به گوش نمی‌رسد.

۳

یک بوسه و درس‌های رسانه‌ای حماس



روایت حماس از میدان، به واسطه نگاه توحیدی و قدرت ایمانی‌شان باعث شد جان دنیا را درگیر سازند و طبیعی است که بنا به سنت الهی نصرت و برکت تکوینی نیز به این جهاد رسانه‌ای مدد می‌دهد. حرف تمام است.

۴

ضرورت امروز فضای اقتصادی کشور، حذف رانت‌هاست



ما شاهد مدل‌های مختلف لابی برای انتصاب افراد در منطقه‌های مدیریتی هستیم که به‌شدت باعث کاهش بهره‌وری در اقتصاد کشور شدند.

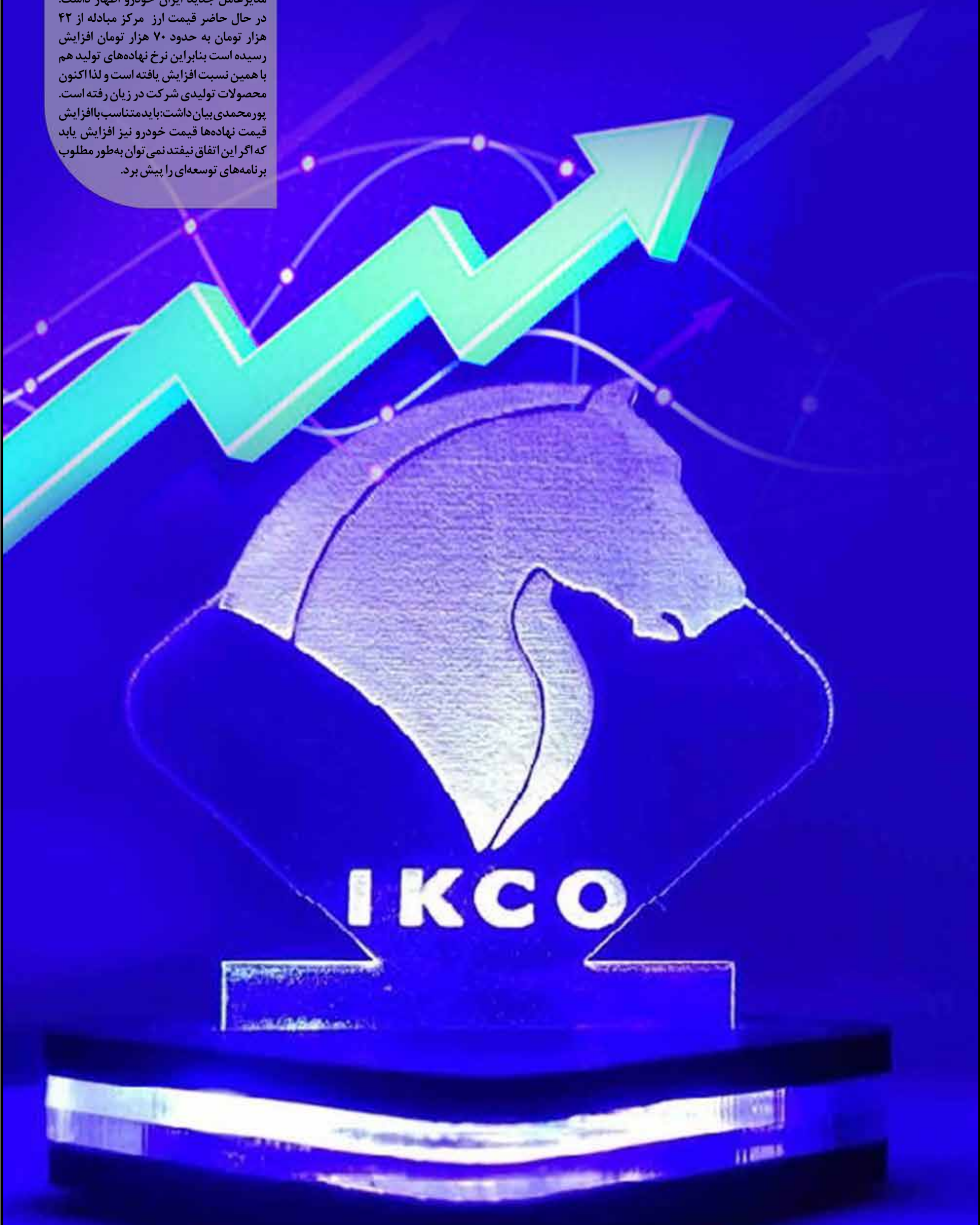
۵

سید حسن یک رسانه‌ی منحصر به فرد بود



به نظر می‌رسد کار رسانه و ژورنالیسم همیشه این است. شاید نشود انتظار داشت برای مخاطب عام فرصت این پیش بیاید که از فرصت پیچیدگی‌های امر سیاست در لبنان بگویند و شاید حوصله‌اش نشود.

۷



خورشید بی غروب مقاومت

رهبری هوشمند، فرماندهی شجاع، استراتژیستی دقیق، سیاستمداری کارگشته، استاد عملیات روانی، عالمی برجسته، چهره‌های کاریزماتیک، مؤمنی مخلص، پدری دلسوز و... او را چه بنامیم که همه‌ی این‌ها بود و همه‌ی این‌ها او نبود، که فراتر بود از این‌ها و محصور در حجاب معاصرت. می‌گویند برخی از زمانه‌ی خویش جلوترند و آنچه در سر دارند دیگران به‌راحتی نمی‌توانند بفهمند و ببینند؛ اما او، هم فرزند زمانه‌ی خویش بود و هم از زمانه‌ی خویش فراتر.



تو هستند.

ای پرنده‌ی جنوب! مگر می‌شود ناپدید شده باشی و دیگر از رهایی به ما نگوئی؟
آیا باور کردنی است که نوح با طوفان رفت؟ ای فلسطین! به چند نوح نیاز داریم؟»

و یا محمد صادق، شاعر لبنانی، اندوه فراقش را چنین به مرثیه می‌نشیند:
«درد من به وسعت آسمان تو امتداد دارد، زیرا با ریختن خونت من کشته شده‌ام.
ای چشم پیروزی! دلم برای موهای سفید سخاوتمندت تنگ شده است.»

او، در عمل، دو چیز را به مردم کشورش و فراتر از مرزهای لبنان اثبات کرد که شاید بتوان گفت رمز اصلی محبوبیت او در همین دو چیز بود. نخست آنکه برای اولین بار و در میدان عمل نشان داد که رژیم صهیونیستی، بر خلاف آنچه می‌گوید

و می‌گویند، شکست‌ناپذیر نیست و می‌توان آن را به عقب راند و آنچه اشغال کرده بازپس گرفت. دوم آنکه او در این مسیر تنها اهل سخن گفتن و دعوت دیگران نبود، بلکه خود نیز در راه مقاومت از عزیزترین داشته‌هایش گذشته و صداقت در راه مقاومت را در بالاترین درجه‌ی خود نشان داده بود؛ و این وقتی بود که بر چهره‌ی فرزند بسیار جوانش در تابوت دست کشید: هادی، همان پسری که در خط مقدم نبرد با دشمن صهیونیستی فدا کرده بود.

فقدان چنین مردی برای جبهه‌ی مقاومت بسی تلخ و سنگین است. بالاخره، پس از آن همه مجاهدت و مبارزه‌ی مخلصانه و بی‌امان در راه خدا، به آرزویش رسید و از او برای ما دو چیز ماند. نخست، اندوه بی‌پایان فراق برادری بزرگ و مجاهدی بی‌نظیر که حسینی زیست و حسینی رفت؛ مولا و مقتدایش را در کربلا مظلومانه به شهادت رساندند و در این روزگار، برای کشتن چه کسی ۸۵ تن بمب به کار بردند؟ میراث دوم او برای ما درس مقاومت است؛ درسی که او با تک‌تک کلمات و حرکات و سکناتش به ما آموخت و در پایان نیز با خون پاک خویش آن را امضا کرد.

سید، با تمام خصایل مؤمنانه و عظمت و بزرگی‌اش، وقتی از رهبر انقلاب پیش نزدیکان خود یاد می‌کرد، با خضوعی صادقانه که از عمق جان برمی‌آمد می‌گفت «ما کجا و سیداللقائد کجا! چه باید و می‌توان گفت که در این مجال اندک، حق مطلب دربار‌ه‌ی او اداء شود؟ در آستانه‌ی تشییع پیکر پاکش، کلمات کجا می‌توانند آنچه در دل می‌گذرد بیان کنند؟ مگر آنکه اشک‌ها بتوانند! به قول آن نویسنده‌ی لبنانی «عمامه‌ی سیاه مردی شریف، فردا از فراز خورشید سر بر خواهد آورد؛ طلوعی که قاتلاتش آن را پایان آن مرد پندارند، ولی ما آن را عهد و پیمانی برای قیامی تازه می‌خواهیم.» (خط حزب‌الله)



دراوج عزت

سیدعلیرضال داود

در روزگاری از جنس حماسه و عزت پیکر ملکوتی شهید سید حسن نصرالله، اسطوره جهاد و سرفصل مقاومت همراه با یار دیرینه خود در میان امواج خروشان مردمانی آزاده تشییع شد. این کوثر خون که از زلال اینار و عشق به قدس جوشید، نه تنها پرچم مبارزه را بر بام تاریخ برافراشت که نقشی جاودانه بر صحنه مقاومت رقم زد.

صدها هزار دلناده راه حق از هر سو چونان ستارگان آسمان جهاد بر مزار این قهرمان بی‌بدیل گرد آمدند. بانگ تکبیرهای آسمانی درهم آمیخته با نوای دلنواز «لبیک یا نصرالله» فضا را آکنده از عطر شهادت کرد و این غریو الله‌اکبر با حضور خفاشان صهیونیستی دوچندان شد. پرچم‌های سرخ شهیدان چونان گل‌های اناری بهاری در دستان فرزندان حماسه به رقص درآمد و هر وجب از این سرزمین مقدس آینه‌دار عهدی دوباره با ارمان‌های شهیدان شد.

سیدالشهدای مقاومت آن تندیس استواری که قامتش از توفان‌های صهیونیستی خم به ابرو نیاورد، امروز در آغوش ابدیت آرامید. خون پاک او چون رودی خروشان ریشه در خاک حرمت قدس دارد و شعله‌ورتر از همیشه مشعل راه رهایی را در دستان امت برافراشته است. این شهید آسمانی جان نسپرد بلکه به اسطوره‌ای تبدیل شد که در هر ذره از خاک لبنان نفس می‌کشد و در هر فریاد شعار «مرگ بر اسرائیل» را زنده می‌کند.

همانگونه که مولای مقاومت فرموده‌اند؛ شهدا نگین‌های درخشان تاج کرامت‌اند و خونشان باران حیات بر شاخه‌های مقاومت. امروز این تشییع حماسی، تصویری زنده از وعده الهی است که «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ». محور مقاومت با انگشتری نصرت پنجه در پنجه شیاطین زمانه انداخته و با هر شهید، پرده از شکوه پیروزی نهایی برمی‌دارد. فردایی نزدیک است که تلاوت سوره فتح از محراب مسجدالاقصی در عالم طنین‌انداز شود و زمزمه پیروزی از نیل تا فرات را در خواهد نورد.

اگرچه اکثریت ما خادمان رسانه در خبرگزاری مهر، روزنامه تهران تایمز و روزنامه آگاه از فیض حضور سبز محروم بودیم و در این نمایش حماسه‌ساز شرف حضور نداشتیم اما از دریای بیکران این حماسه متنعم شدیم و بر صدق و درستی این راه شهادت داده و گواهی می‌دهیم که هر قطره از خون این دلیرمردان ما را یک گام دیگر به نصرت الهی نزدیک می‌کند و در نهایت فتح‌الفتوحی دیگر رقم خواهد خورد، آری ما «در اوج عزت» هستیم عزتی که نه با زور و زور و تزویر که با خون پاک حماسه‌سازانی از جنس شهید سید حسن نصرالله به دست آمده است.

گروسی پایش را از گلیم نظارتی درازتر می‌کند



گروسی در ادامه گفته است که باید با توجه به تحولات ژئوپلیتیکی جدید، جایگزینی مناسب برای برجام پیدا کرد. این درحالی است که اساساً کارآمدی برجام به مدیریت آژانس ارتباطی نداشته و این نهاد صرفاً وظیفه نظارت بر اجرای آن و گزارش دهی به اعضای برجام را دارد و نه اظهار نظرهای سیاسی و رسانه‌ای همسو با مواضع غرب.

سیال خود را نیز با رویکرد سیاسی دولت‌های مختلف در آمریکا هماهنگ می‌کند.

رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پیش از این نیز در اظهار نظرهایی اعلام کرده بود که توافق هسته‌ای ایران، معروف به برجام، دیگر کارآمد نیست و باید به فکر جایگزینی برای آن باشیم. این اظهارات در حالی مطرح شده است که برجام، توافقی است که در سال ۲۰۱۵ میان ایران و شش قدرت جهانی (آلمان و پنج کشور دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد) به امضا رسید. هدف اصلی این توافق، محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران در ازای کاهش تحریم‌ها و پذیرش نظارت‌های شدیدتر از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود. اما به تدریج و به ویژه پس از خروج یکجانبه ایالات متحده از برجام تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸، این توافق با چالش‌های جدی مواجه شد. مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در اظهارات خود، به صراحت اعلام کرده است که توافق هسته‌ای ایران دیگر برای رسیدگی به برنامه هسته‌ای این کشور کارآمد نیست.

در آستانه برگزاری جلسه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) مدیر کل آژانس، رافائل گروسی، در یک نشست خبری در ژاپن بار دیگر به مطرح کردن اتهاماتی علیه تهران پرداخت. گروسی در اظهاراتی تأکید کرد که ایران باید اثبات کند که به دنبال دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای نیست و آژانس باید خود اقدام به راستی‌آزمایی این ادعاها کند.

این سخنان در حالی مطرح می‌شود که ایران همواره تأکید کرده است که برنامه هسته‌ای‌اش صرفاً برای اهداف صلح‌آمیز است و حداکثر همکاری را نیز با آژانس داشته تا حدی که بر اساس بیانیه واکنشی سازمان انرژی اتمی یک چهارم بازرسی‌های آژانس از ایران صورت گرفته است.

در طی این حجت بازرسی اکنون این آژانس است که اگر ادعایی می‌کند باید شواهد آن را ارائه دهد نه اینکه به بار با اتهام‌زنی توپ را در زمین ایران بیندازد. اتهام‌زنی‌ها به ایران و چشم‌پوشی از خطاهای علنی متحده غرب دلیل کافی برای اثبات این مدعاست که آژانس برای اعمال بازرسی‌های شدید بر ایران صرفاً مناسبات سیاسی را مد نظر قرار می‌دهد و مناسبات سیاسی

کدام هزینه؟
دیگری کیست؟

محمدایمانی



سید حسن نصرالله علاوه بر قهرمان منطقه‌ای، قهرمان ملی لبنان است. هر گاه موسسات غربی نظرسنجی کرده‌اند، جناب سید حسن، محبوب‌ترین یا جزو سه نفر اول محبوب در میان سیاستمداران منطقه به ویژه مناطق عربی بوده است.

دیروز بالغ بر یک میلیون و پانصد هزار نفر در بیروت، پروانه وار پای پیکر سید حسن گرد آمدند تا از این قهرمان ملی و منطقه‌ای تجلیل کنند. اما برخی سیاستمداران لبنانی جرئت نکردند برای تجلیل از این قهرمان در مراسم شرکت کنند.

این در حالی بود که در میان تشییع کنندگان، جمعیت‌های شیعه و سنی و مسیحی و غیر آنها - به علاوه برخی تحلیلگران ارشد اروپایی - خود را به مراسم رسانده بودند.

جوزف عون رئیس جمهور تازه کار لبنان، دیروز در دیدار هتیت ایرانی گفت: "لبنان از جنگ‌های دیگران خسته شده و اتحاد لبنانی‌ها بهترین راه برای مقابله با هر ضرر و تجاوزی است. لبنان بهای سنگینی برای آرمان فلسطین پرداخت!"

این تحلیل سست و بی مغز، ساعتی بیش دوان نیاورد. جنگنده‌های رژیم صهیونیستی در میانه مراسم تشییع در آسمان لبنان ظاهر شدند و ثابت کردند جنگ جاری، جنگ دیگران نیست.

البته جمعیت با فریادهای لبیک یا نصرالله و الموت لاسرائیل، پاسخ این تهدید احمقانه را دادند. تا جایی که اسرائیل تودی نوشت:

"صحنه‌ای باورنکردنی در هنگام غوغای جنگنده‌های اسرائیلی در بیروت و استادیوم پر از شرکت کنندگان در تشییع رهبر حزب الله. آنها شعار مرگ بر اسرائیل سر می‌دهند!"

اگر جنگ با رژیم صهیونیستی، موضوعی صرفاً فلسطینی یا مثلاً ایرانی و "جنگ دیگران" بود، چرا ارتش صهیونیستی چهار دهه قبل، ضمن اشغال خاک لبنان، تا بیروت پیش رفت؟ آن روز که نه حزب الله بود و نه حماس!

آیا جز این است که حزب الله برای دفاع از لبنان در مقابل همین اشغالگری پا گرفت، هزینه داد، عزت لبنان را برگرداند و هیبت متجاوزان را شکست؟ حزب الله، آن روز یکصدم قدرت فعلی را نداشت. آقای عون آن روز کجا بود؟!

صهیونیست‌ها و پشتیبانان غربی آنها همواره به یکایک ملت‌های منطقه گفته‌اند مسائل کشور همسایه و دیگر ملت‌های منطقه به شما چه؛ اما خود آنها پیگیر اشغال نیل تا فرات و افغانستان و عراق و سوریه و لبنان و... بوده‌اند.

مقاومت، بر خلاف تاسیسات جعلی غربی در منطقه، نشاء و تاسیس "دیگران" نیست، بلکه از فهم و تجربه و عزت طلبی ملت‌های منطقه جوشیده است.

"دیگری" در این روند، دشمنان متجاوز هستند و ملت‌های همدل و هم سرنوشت منطقه. هزینه‌ای هم از پرداخت شده، هزینه شرافت بوده است و آنان که بهره‌ای از شرافت ندارند، چه چیزی برای هزینه دادن دارند؟!



ان‌اعلی‌العهد

داود مهدوی زادگان

جهان اسلام و تشیع در پنجاه سال گذشته در سوگ فقدان علمای ربانی زیادی نشسته است. اما در میان آنان فقط جمع خاصی بوده‌اند که به مرگ طبیعی این جهان فانی پر شرنگ را ترک نکردند بلکه ترک‌شان همراه با تنی آغشته به خون بوده است. خط سرخ شهادت عالمان مجاهد از ایران و عراق تا یمن و لبنان ترسیم شده است. عالمان بزرگی چون مطهری و بهشتی و مدنی و دستغیب و سید محمد باقر صدر و سید محمد باقر حکیم و جدیدترین آنان که به خیل شهداء پیوستند؛ شهید سید حسن نصرالله و سید هاشم صفی‌الدین رضوان الله تعالی علیهم. عالمان بزرگی که عمری را در راه تحصیل دانش و معرفت الهی توأم با ریاضت کشی و خودسازی گذراندند تا به وقت ثمردهی و تربیت نسل‌های جوان و مشتاق معارف الهی گام‌های بلند علم آموزی و تربیت اخلاقی بردارند. اما هر یک از آنها با خشونت‌بارترین رفتارهای سبعانه دشمنان دین و امت به شهادت رسیدند.

امروز جامعه بشری محصور در دنیایی شده که نگرهبانان فکری آن که خود را روشنفکر و آزادی‌خواه می‌خوانند از کرامت انسانی و تسامح و تساهل و خشونت‌پرهیزی و دگر دوستی و زنده باد دشمن من دم می‌زنند ولی به وقتش نگرهبانان یقه سفید و چکمه پوش‌شان هزاران تن بمب بر سر مردم بی‌گناه فرو می‌ریزند و عالمان مجاهد را با هشتاد تن بمب به شهادت می‌رسانند و از ناحیه آن روشنفکر نمایان بشر دوست هیچ شکوه و اعتراضی به گوش نمی‌رسد. گویی هر دو دسته نگرهبان دنیای حصار کشیده امروز به کار خود خیلی خوب آشنا هستند. دسته‌ای خوب می‌داند چگونه حرف‌های قشنگ اعجاب آور بر زبان جاری کنند و دسته دیگر خوب بلدند که چگونه مردم بی‌گناه و عالمان مجاهد را به خاک و خون بکشند.

قرآن کریم خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید در میان ناس کسانی هستند که در حیات این جهانی آنچنان رنگارنگ و خوش سخن هستند که تو را متعجب می‌سازد و شهادت می‌دهند که حرف زبان‌شان با حرف دل‌شان یکی است در حالی که اینچنین نیست و آنان در خصومت و رزی سخت‌ترین آدمیان هستند: «وَمَنْ النَّاسِ مَن يُمَجِّبُ قَوْلَهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ» (البقره: ۲۰۴).

اما دلیل این سخت‌ترین خصومت از ناحیه دشمن صهیونی و استکبار جهانی و روشنفکر نمایان وابسته علیه عالمان مجاهد در پنجاه سال گذشته چه چیزی است؟ چه چیز آنها را مجبور می‌کند که بزرگ مردی از نسل فاطمه الزهرا سلام الله علیها را با هشتاد تن بمب به شهادت برسانند؟ آن عامل، اندیشه و گفتمان انقلابی و اسلام سیاسی است که گردانندگان و حافظان فکری و نظامی دنیای سراسر سکولار شده را به وحشت انداخته است.

اندیشه و گفتمان انقلابی که آدمیان را به مقاومت برابر ظلم و جنایت‌های همگانی و به تعبد و بندگی برابر ذات باری تعالی فرامی‌خواند. لکن حق طلبان و مجاهدان فی سبیل الله در این پنجاه سال با خون خود ثابت کرده‌اند که بر عهد خود تا به آخر وفادار می‌مانند. آنان شعار «انا علی‌العهد» را که نه فقط در خطاب با شهید سید حسن نصرالله و شهید سید هاشم صفی‌الدین بلکه برابر همه عالمان مجاهد شهید سر می‌دهند و به روح پر فتوح ایشان و امام خمینی ره که احیا کننده اسلام سیاسی در دنیا سکولار شده می‌باشد درود و صلوات می‌فرستد.

«اعتماد به نفس ملی» بزرگترین دستاورد فرهنگی انقلاب

محسن‌رمدادی



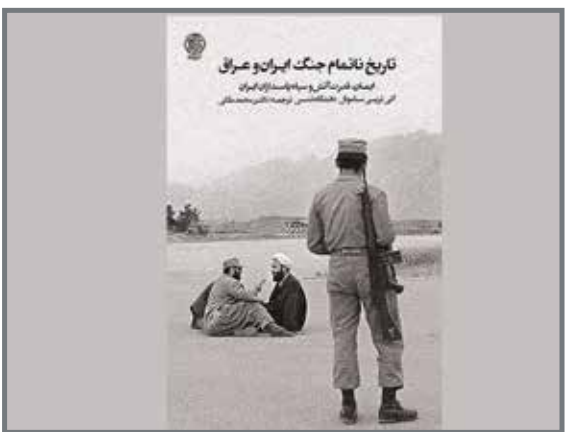
■ **مطالب روزنامه‌ها قبل از انقلاب از فیلتر ساواک عبور می‌کرد**
دکتر رمدادی با اشاره به تفاوت جایگاه رسانه‌های چپ‌نویز، رادیو و تلویزیون، کتاب و مطبوعات قبل و بعد از انقلاب گفت: اصولاً در نظام سلطنتی بهایی به افکار عمومی داده نمی‌شود؛ بنابراین حکومت پهلوی هم از این امر مستثنی نبود. رسانه‌ها که حامل و انتقال‌دهنده افکار عمومی محسوب می‌شوند ضعیف نگه داشته می‌شدند. فقط تعداد انگشت‌شمار از روزنامه‌ها مانند کیهان و اطلاعات و تعداد محدودی هم مجلات فعالیت می‌کردند. نکته مهم دیگر اینکه قبل از انقلاب هیچ روزنامه‌ای توقیف نمی‌شد؛ چون مطلبی علیه حکومت نوشته نمی‌شد و هر مطلبی که چاپ می‌شد می‌بایست از فیلتر ساواک رد می‌شد در غیر این صورت اجازه انتشار پیدا نمی‌کرد در حالی که بعد از انقلاب مطالب روزنامه‌ها بعد از انتشار و چاپ مورد بررسی و رصد قرار می‌گیرد و هر مطلبی که خلاف آن نوشته شود، مطابق قانون برخورد می‌شود

مدیر گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشگر حوزه انقلاب اسلامی در ادامه خاطر نشان کرد: برای بسیاری از کتابها هم به دلیل اینکه از کلمه جهاد یا طاغوت استفاده کرده بودند مجوز چاپ صادر نمی‌شد در واقع سانسور و سخت‌گیری در منتهای درجه قرار داشت. این مساله باعث جلوگیری از رشد کشور می‌شد؛ چرا که وقتی آزادی بیان وجود نداشته باشد افکار عمومی هم محدود می‌شود. آزادی بیان یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی بود ضمن اینکه ما هم تلاش زیادی برای افزایش آزادی بیان در جامعه می‌کنیم قطعاً همانند سایر شاخص‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور جای بهبودی دارد.

شاید قبل از انقلاب تا این اندازه وجود نداشت. «اعتماد به نفس ملی» یعنی ما می‌توانیم هر کاری را انجام دهیم، ما حق داریم سوال بپرسیم، ما حق داریم امور کشور را تعیین کنیم و این توانمندی و اعتماد به نفس وجود دارد که این کارها را انجام دهیم. وی ادامه داد: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چنین گمانی در مردم وجود نداشت و تصورشان از خودشان این بود که ما هیچ کاره هستیم، ما توانمند نیستیم؛ در واقع مردم اصلاً خود را صاحب توانمندی نمی‌دیدند که بخواهند کاری را انجام دهند اگر هم قرار بود کاری انجام شود یا شاه تصمیم می‌گرفت یا خارجی‌ها اجرای آن را بر عهده می‌گرفتند لذا مردم هیچ دخالتی در تعیین سرنوشت کشورمان نداشتند. اما این انقلاب اسلامی که صرفاً با تکیه بر نیروی مردمی به پیروزی رسید، به مردم این احساس را داد که اولاً این کشور برای ماست ثانیاً ما توانمندیم و می‌توانیم اگر بخواهیم هر پروژه‌ای را به سرانجام برسانیم. ضمن اینکه بعد از پیروزی انقلاب با توجه به انتخابات مختلفی که برگزار شد؛ نشان داد که با شرکت در انتخابات مردم می‌توانند در تعیین سرنوشت کشورشان نقش مهمی داشته باشند در صورتی که قبل از انقلاب انتخاباتی در کار نبود اینکه الان مردم می‌توانند در انتخاب رئیس‌جمهور مورد علاقه خود سهیم باشند؛ این به معنای «اعتماد به نفس ملی» است.

■ **آزادی بیان انقلاب برای مخالفان نظام هم موهبت بزرگی بود**
مدیر گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشگر حوزه انقلاب اسلامی ادامه داد: اولین گام در اصلاح فرهنگ عمومی این است که مردم احساس کنند به اندازه کافی تشخص دارند و به اندازه کافی قابلیت و شایستگی این را دارند که اصولاً به حساب بیایند و در گام بعدی هم برای اصلاح فرهنگ عمومی اقدام شود. جمهوری اسلامی این گام را خیلی خوب برداشت و تاثیر مهمی هم در افکار عمومی گذاشت. امروزه مخالفان به راحتی در مورد براندازی جمهوری اسلامی حرف می‌زنند در حالی که قبل از انقلاب از چنین موهبتی برخوردار نبودند، بداندن حتی حرفی که در مورد براندازی نظام می‌زنند، متاثر از انقلاب اسلامی است و مخالفان هم از این دستاورد انقلاب (آزادی بیان) بی‌بهره نماندند.

تاریخ ناتمام جنگ ایران و عراق؛ ایمان، قدرت‌آتش و سپاه پاسداران ایران



ارزش دارد. ساموئل در تاریخ خود اغلب به جای بازجویی یا اعتراض، ادعاهای سپاه پاسداران را به سادگی گزارش می‌دهد. در این کتاب اطلاعات کمی در مورد زمینه‌های سیاسی که تصمیم‌گیری ایران را مشروط کرده است، وجود دارد. رقابت‌های جناحی و دشمنی‌هایی که به عقب‌انداختن برنامه‌های جنگی ایران کمک زیادی کردند، عمدتاً نادیده گرفته می‌شوند.

این کتاب روایتی مستند و مستدل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از قدرتمندترین و برجسته‌ترین سازمان‌های تأثیرگذار در ایران است. اثر پیش رو تاریخچه این سازمان را با بهره‌گیری از جنگ ایران و عراق و پیوند آن با انقلاب ارائه و تحلیل می‌کند و در عین حال دیدگاهی درونی از سپاه ارائه می‌کند. این پژوهش برپایه منابع گوناگون و آخرین داده‌های تاریخی از نقش و قدرت این سازمان در ایران معاصر و تأثیر آن نه تنها بر جنگ ایران و عراق بلکه از نقش بسیار بالای آن بر حال و آینده جمهوری اسلامی ایران خبر می‌دهد.

کتاب «تاریخ ناتمام جنگ ایران و عراق؛ ایمان، قدرت آتش و سپاه پاسداران ایران» اثر آنی تریسی ساموئل ترجمه محمد ملکی در نشر تاریخ ایران به چاپ رسیده است.

بررسی قرار می‌گیرند. علاوه بر چند سند از قوه مقننه ایران، اسنادی از ایالات متحده، مقالاتی از سازمان ملل و چندین وب‌سایت ایرانی که با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مجله سیاست دفاعی همسو هستند یا از آنها حمایت می‌کنند، نیز استفاده شده است.

اکثر منابع اولیه فارسی زبان که در این کتاب ذکر شده‌اند، از مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس هستند که در مجموع نویسنده، آنها را برای ارائه بینش تازه‌ای از جنگ ایران و عراق با محوریت سپاه کافی دانسته است. هدف این کتاب این است که تاریخ‌نگاری سپاه از جنگ را با توصیف «سیر و نتیجه» درگیری مورد بحث قرار دهد و در عین حال بر ترکیبی از حقایق تأکید کند که باعث می‌شود سازمان را بدنه‌ای منطقی ببینیم که از «ایمان و قدرت آتش» به طور مساوی برای انجام امور استفاده می‌کند. با این حال علیرغم پتانسیل این منابع برای ارائه چشم‌اندازی تازه به تاریخ جنگ و سپاه، با منابعی که با روایت سازمان موافق نیستند، قرار نمی‌گیرند. به همین دلیل است که در برخی مواقع کتاب مانند یک خط مشی طولانی خوانده می‌شود و تلاش می‌کند دولت‌ها را متقاعد کند که به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک بازیگر منطقی در امور منطقه‌ای فرصت بدهند.

جنگ ایران و عراق یکی از پرمیادترین و کم‌مطالعه‌ترین رویدادها در خاورمیانه کنونی است. این طولانی‌ترین و ویرانگرترین جنگ بین دو دولت در منطقه است. این امر ذهنیت و نگاه بسیاری از مقامات ایرانی را به جامعه بین‌المللی که عمدتاً در استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی با همه تأثیرات وحشتناکش، در کنارش ایستاده بود، شکل داده است.

تاریخ ناتمام جنگ ایران و عراق خود یک تاریخ ناتمام است. نویسنده بر مطالعه گسترده جنگ که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران گردآوری شده است، تکیه دارد. آنی تریسی ساموئل با روشن کردن محاسبات استراتژیک و تاکتیک‌های جنگی سپاه نشان می‌دهد که این مطالعه فراتر از تبلیغات صرف

دکتر محسن‌رمدادی مدیر گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفتگو با خبرنگار فرهنگ و اجتماع خبرگزاری شبستان با اشاره به دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی گفت: انقلاب اسلامی ماهیتا فرهنگی است؛ به این معنا که بیش از هر شعار، هدف و رسالت دیگری که در انقلاب توسط مردم و انقلابیون طرح شد، شعارهای فرهنگی و اهداف فرهنگی مد نظر بود؛ در واقع درصد بیشتر شعارهای انقلاب اسلامی بر مباحث فرهنگی متمرکز بود. انقلاب ایران انقلابی نبود که فقط برای نان یا تغییر هیئت حاکمه صورت بگیرد بلکه بحث این بود که مردم ایران می‌خواستند یک انقلابی را رقم بزنند که فرهنگ کشور را از آن شرایط ناپاسامان و مبتذلی که حاکم بود رها کنند؛ بر همین اساس انقلاب اسلامی یک انقلاب ماهیتا فرهنگی بود.

■ **فرهنگ جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی داشته و دارد**

وی با بیان اینکه روحانیون هم که رهبران انقلاب بودند جزو قشر فرهنگی به شمار می‌رفتند تصریح کرد: اساس برخی انقلاب‌ها در دنیا اقتصادی یا سیاسی است مانند کشورهای برزیل و روسیه که شعارهایشان بر شعارهای اقتصادی و سیاسی متمرکز بود اما انقلاب ایران فرهنگی بود و تأکید امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بر این بود که فرهنگ زیربنای انقلاب است و سیاست‌گذاران باید بیش از هر چیزی به آن توجه داشته باشند؛ بنابراین فرهنگ جایگاه و یژه‌ای در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی داشته و دارد.

■ **«اعتماد به نفس ملی» بزرگترین دستاورد فرهنگی انقلاب بود**
مدیر گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه و پژوهشگر حوزه انقلاب اسلامی افزود: اما متأسفانه این سوال مطرح است که آیا متناسب با ماهیت انقلاب اسلامی و متناسب با رهبران انقلاب اسلامی مسئولان و کارگزاران نظام هم نگاه فرهنگی داشتند؛ آیا تلاشی برای بهبود و ارتقاء فرهنگ نموده‌اند؛ آیا فرهنگ در نگاهشان اولویت داشت یا اینکه مسایل سیاسی و اقتصادی و مسایل سیاست‌خارج برایشان اولویت اصلی بود این سوالی است که مخاطبان هم می‌توانند به آن پاسخ دهند. یکی از مهمترین دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی که فرهنگ عمومی را هم ارتقاء داد؛ بحث «اعتماد به نفس ملی» بود که



کتاب «تاریخ ناتمام جنگ ایران و عراق؛ ایمان، قدرت آتش و سپاه پاسداران ایران» اثر آنی تریسی ساموئل، پژوهشگر تاریخ و سیاست خاورمیانه جدید با تمرکز بر ایران پس از انقلاب، امور امنیتی و نظامی با براساخت روایت‌های تاریخی، ملی و سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه است. او که در تاریخ معاصر و خاورمیانه تخصص دارد، در حال حاضر عهده‌دار کرسی تاریخ در دانشگاه تنسی در چاتانوگا و رئیس انجمن خاورمیانه منطقه جنوب شرقی و مطالعات اسلامی است و قبلاً به عنوان محقق در مرکز علوم و امور بین‌الملل بلفر مدرسه هروارد کندی خدمت کرده است.

کتاب دکتر تریسی ساموئل با عنوان «تاریخ ناتمام جنگ ایران و عراق؛ ایمان، قدرت آتش و سپاه پاسداران ایران» توسط انتشارات کمبریج در اکتبر ۲۰۲۱ منتشر شد. سایر مقالات او شامل ژورنالی در امنیت ملی و تاریخ دیپلماتیک و فصول کتاب است.

هر کتابی که بخواهد جنگ ایران و عراق (۶۷-۱۳۵۹) را از منظر تاریخی بر پایه متون مستند و مستدل بنگرد، باید به بررسی انتقادی منشأ، تکامل و چشم‌انداز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بپردازد که یک سازمان نظامی مهم با گستره فراملی و به همان اندازه ارزشمند است. آنی تریسی ساموئل در یک مقدمه و ۱۲ فصل به موضوعات مرتبط مختلف، از جمله تاریخ سپاه، نقش آن به عنوان تاریخ‌نگار اصلی درگیری، نحوه نگرش به جنگ، واکنش ایران به تهاجم عراق، سقوط و آزادسازی شهر خرمشهر، جنگ در داخل خاک عراق دو سال آخر درگیری، ارزیابی چگونگی شکل‌گیری دکترین امنیت ملی ایران توسط جنگ و مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و چگونگی تبدیل آن به تولید کننده تبلیغات جنگ توسط سپاه و با محوریت متون تولید شده سپاه درباره جنگ پرداخته است.

از یک منظر این کتاب ارزشمند است، زیرا منابع اولیه‌ای را که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در طول چند دهه ایجاد کرده است، معرفی می‌کند که به ندرت در مطالعات تاریخی مورد

رهبر ما معلم اعتماد به خداست

اقتدار مختلف مردمی کسب کرده است.

بر اساس واقعیت و به دور از جوانب عاطفی، باید بگویم که سیدالقائد دارای ویژگی‌های بسیار فوق‌العاده‌ای هستند. گاهی شما درباره‌ی شخصیتی سخن می‌گویید و اشاره می‌کنید که ویژگی‌های خوبی دارد و در میان این ویژگی‌های خوب، یک یا چند ویژگی معدود ممتاز و فوق‌العاده وجود دارد؛ اما در خصوص سیدالقائد باید گفت که ایشان ویژگی‌های فوق‌العاده‌ی بسیاری دارند. به عنوان مثال، اخلاص ایشان به خداوند متعال، به اسلام، به مسلمانان، به مستضعفان و مظلومان، اخلاصی شدید و فوق‌العاده عالی است و شاید این ویژگی یکی از دلایل مورد تأیید بودن ایشان از سوی خداوند است. ایشان همواره مصلحت اسلام، مسلمانان و عامه‌ی مردم را بر هر مسئله‌ی دیگری مقدم می‌شمارند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان آگاهی سیاسی و تاریخی گسترده است.

سیدالقائد منطقه‌ی ما را — یعنی منطقه‌ی غرب آسیا که به آن «خاورمیانه» گفته می‌شود — به خوبی می‌شناسند؛ ایشان بر مسائل سرزمین شام، فلسطین و لبنان، به طور خاص آگاهی دارند، درحالی‌که این منطقه و تحولات آن بسیار پیچیده است و حتی بسیاری از سیاستمداران و متفکران منطقه هم در ارائه‌ی تحلیل در خصوص اوضاع آن مرتکب اشتباه می‌شوند. این در حالی است که ما از چهل سال گذشته تا کنون، تمامی تحلیل‌های سیدالقائد را کاملاً درست و منطقی یافته‌ایم؛ تمامی مواضع ایشان در قبال کشورهای منطقه و حتی کشورهایی که شاید اهالی آن‌ها خود قادر به تحلیل مسائلشان نبوده‌اند، درست بوده است. این بسیار عجیب است، خویش خسروان دانند» به کار می‌برند.

مقصود من تنها سخن گفتن از این اعتماد نیست، بلکه ایجاد آن در قلوب و عقول دیگرانی مانند حزب‌الله لبنان است. در سایه‌ی این اعتماد است که پیشرفت، آگاهی، مجاهدت و پیروزی حاصل می‌شود. با این اعتماد است که ملت ایران و جوانان ایرانی در مقابل آمریکا و تمامی چالش‌ها ایستاده‌اند. اگر خود سیدالقائد به این درجه‌ی عظیم از اعتماد به خداوند نرسیده بودند، نمی‌توانستند آن را به دیگران منتقل کنند.

امروز تعداد اندیشمندان مسلمان در جهان اسلام بسیار کم است. شکی نیست کسی که سخنرانی‌های سیدالقائد را می‌شنود، کتاب‌های ایشان را می‌خواند و به بیانیه‌ها و ارشاداتشان گوش فرا می‌دهد، به این درک می‌رسد که ایشان یک امام اندیشمند مسلمان بزرگ است. شاید هیچ اندیشمند دیگری در جهان اسلام در حد و اندازه‌ی ایشان نباشد؛ یعنی هیچ اندیشمند اسلامی در سطح سیدالقائد در جهان اسلام وجود ندارد.

زمانی که کتاب «آن مع الصبر نصر» پیش از چاپ نهایی به دستم رسید، آن را در همان شب خواندم. غروب بود که این کتاب به دستم رسید، همان شب هم با شوق و ذوق فراوان آن را مطالعه کردم. در ابتدا مقدمه‌ای را که سیدالقائد به خط خودش نشان نگاشته بودند خواندم؛ مقدمه‌ای که به زبان عربی و طبعاً خط فارسی بود. غافلگیر شدم! من می‌دانستم که سیدالقائد به‌خوبی به زبان عربی مسلط هستند و به‌خوبی به این زبان تکلم می‌کنند، اما متنی که خواندم از بالاترین سطح بلاغت برخوردار بود و بسیار بلیغ و رسا بود. من تصور نمی‌کنم که امروز هیچ فرد عرب‌زبانی در جهان عرب بتواند متنی را با این سطح از زیبایی و بلاغت به زبان عربی بنویسد. این اولین مسئله‌ای بود که در ابتدای کتاب با آن مواجه شدم.

شنیدنی‌ترین روایت از روابط شخصی و کاری سیدحسن نصرالله با رهبر انقلاب را بدون شک باید از زبان یکی از این دو شخص شنید. خط‌حزب‌الله، گفتاری از حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحسن نصرالله اختصاص داده که به روایت سابقه‌آشنایی و روابط شخصی و کاری خود با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد.

از همان اول که رابطه‌ی ما با حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای ایجاد شد، من در ادبیات خودم به ایشان گفتم «سیدالقائد». سیدالقائد اهتمام ویژه‌ای به گروه‌های لبنانی داشتند و وقت خوبی را در اختیار این گروه‌ها قرار می‌دادند. من به یاد دارم که حتی برخی جلسات با ایشان دو یا سه ساعت و حتی چهار ساعت طول می‌کشید. ایشان به‌خوبی به سخنان ما گوش فرا می‌دادند، دوستان و برادران ما نیز امور را به طور کامل برای ایشان تشریح می‌کردند. در آن زمان، همگی با یکدیگر هم‌رأی نبودند و هر یک از برادران ما نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی با یکدیگر داشتند؛ باین‌حال، سیدالقائد به تمامی نظرات و دیدگاه‌ها و استدلال‌ها گوش فرا می‌دادند. هرگاه سیدالقائد می‌خواستند نظری بدهند، می‌گفتند پیشنهاد من این است؛ مثلاً در نظر و دیدگاهشان به نتیجه‌ای می‌رسیدند، اما می‌گفتند شما بنشینید با یکدیگر مشورت کنید و تصمیمی را که صحیح است اتخاذ کنید. در آن مرحله‌ی حساس، سیدالقائد ضمن پرورش فکری، علمی و ذهنی فرماندهان و رهبران حزب‌الله، حقیقتاً نقش مهمی در هدایت این گروه ایفا کردند تا بدین ترتیب، برادران ما بتوانند با اعتمادبه‌نفس بالا و با اعتماد به توانایی‌های خود، حتی در سخت‌ترین مسائل تصمیم‌گیری کنند. ایشان نظر می‌دادند، اما این ضرب‌المثل معروف را که می‌گوید «صلاح مملکت خویش خسروان دانند» به کار می‌برند.

مدت کمی پس از رحلت امام خمینی به ایران سفر کردیم و رحلت امام را تسلیت گفتیم و خدمت سیدالقائد رسیدیم. ایشان همچنان در مقر ریاست جمهوری بودند و در آنجا مردم را به حضور می‌پذیرفتند. با ایشان، به صورت حضوری و مستقیم، دست بیعت دادیم. برادران ما خطاب به ایشان گفتند «شما در زمان حیات امام نماینده‌ی ایشان در امور لبنان، فلسطین و منطقه و همچنین رئیس جمهوری ایران بودید و وقت داشتید، اما اکنون رهبر جمهوری اسلامی و تمامی مسلمانان هستید و به همین دلیل، شاید به قدر گذشته وقت برای ما نداشته باشید؛ لذا از شما می‌خواهیم که نماینده‌ی ما از سوی خود معرفی کنید تا مدام مزاحمتان نشویم.» در این لحظه، سیدالقائد لیخندی زدند و فرمودند «من هنوز جوان هستم و ان‌شاءالله وقت دارم. من اهتمام ویژه‌ای به مسائل منطقه و مقاومت دارم و به همین دلیل، با یکدیگر به صورت مستقیم در ارتباط باقی خواهیم ماند.»

آنچه ما از سیدالقائد می‌شنیدیم — چه در مناسبت‌های عمومی و چه در دیدارهای علنی و یا ملاقات‌های خصوصی — این بود که ایشان بر روی حضور مردمی گسترده در تمامی مسائل تأکید ویژه‌ای داشتند. ایشان همواره بر روی این مسئله تأکید داشتند که اگر تشکیلات و سازمان معینی داشتید، این سازمان باید همیشه در قلب مردم و هوادارانش جا داشته باشد و هیچ تشکیلات، سازمان و حزبی نباید از فضای مردمی که او را در بر گرفته است، به دور باشد و قدرت حقیقی قدرت حضور مردمی است. البته این همان چیزی است که ما در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران شاهد آن بودیم. ما در حزب‌الله لبنان نیز چنین تجربه‌ای داشته‌ایم. قدرت ما، به عنوان حزب‌الله در لبنان، تنها به دلیل برخورداری از امکانات نظامی نیست، بلکه به دلیل محبوبیتی است که این گروه نزد



یک بوسه و درس‌های رسانه‌ای حماس

محسن مهدیان

بوسه اسیر اسرائیلی بر پیشانی نیروی قسام، همه رسانه‌های دنیا را مبهوت کرد. کار به جایی رسید که وب سایت رسانه‌ای لایف اعتراف کرد پلنفرم‌های عبری در تلاش برای سانسور تصاویراند. از آنسو روزنامه پخواننده و صهیونیستی معاریو نوشت که این تصاویر جهان را متحیر کرده است. پیشتر وال استریت ژورنال نوشته بود که تصاویر تبادل اسرا، نمایش قدرت نمایی حماس است.

واقعیت اینست که موشک رسانه‌ای حماس در خدمت مقاومت و مجاهدت یک هجمه ترکیبی علیه صهیونیست‌ها را رقم زده است. ابعاد این جنگ روایت‌ها بسیار چشم گیر و آموزنده است. بوسه اسیر اسرائیلی نشان داد که رفتار حماس با اسرا چه میزان انسانی است. لباس نظامی بر تن اسرای صهیونیستی نشان می‌داد اینها مردم عادی نبودند. استفاده از لوگوی طوفان الاقصی نشان داد هویت قیام ۱۷ اکتبر ماندگار و تاریخی خواهد شد.

استفاده از ماکت موشک‌های آمریکایی بر تابوت اسرا نشان داد مجرم اصلی چه کسی است. تصویر مبارز فلسطینی همچون ریشه درخت، نشان داد این مقاومت مستحکم و ماندگار و پرتوم خواهد بود. گردنبندها و دستبند‌های پرچم فلسطین بر دست و گردن اسرا تحقیر رژیم بوشالین صهیونیستی بود. حضور پرشور فلسطینی‌ها در تبادل اسرا نشان دهنده اتصال حماس به مردم و پایگاه اجتماعی آنها بود. استفاده از ماشین و ادوات به غنیمت رفته در تبادل اسرا، قدرت نمایی و تحقیر صهیونیست‌ها را به همراه داشت.

و البته این فهرست بسیار فراتر از این موارد است. قدرت حماس در روزهای قیام و رویارویی نیز شگفتی‌ساز بود و کمتر از موشک‌ها و مقاومت نظامی حماس نداشت. اما در این میان برای ما نیز درس‌های عمیق رسانه‌ای وجود دارد. درس‌هایی که فراتر از محتوا و تکنیک است و باید درباره آن ساعت‌ها نوشت. تنها به چند مورد اشاره می‌کنم.

۱. پیروزی بر تکنولوژی و تسخیر آن
حماس نشان داد می‌توان بر تکنولوژی به عنوان محصول جهان بینی و تمدن مادی غرب، تفوق پیدا کرد. این درس‌ها خاصه برای کسانی است که به اسم غربشناسی و یا ژست‌های چپ‌گرایی رسانه‌ای اعتقاد دارند تکنیک و رسانه قابل تحول نیست.

۲. اتکا به شهروند رسانه‌ها بجای ابررسانه‌ها
حماس هژمونی ابررسانه‌های صهیونیستی را در هم کوبید. مالک بزرگترین رسانه‌های دنیا صهیونیست‌ها هستند. سال‌های سال با امپراطوری رسانه‌ای بزرگترین دروغ‌های تاریخ را به خورد افکار عمومی جهان دادند. و حالا حماس با درگیر کردن شهروند رسانه‌ها توانست این سیطره را بشکند و پیامش را به سرتاسر دنیا برساند. مهمترین دستاورد ۱۷ اکتبر شکستن بزرگترین دروغ‌های تاریخی صهیونیست‌ها بود. چه دروغ مظلومیت تاریخی و چه دروغ هیبت و قدرت امنیتی و نظامی‌شان.

۳. ساخت روایت از واقعیت و ساخت واقعیت برای روایت
مهمترین کار حماس این بود که در بزنگاه میدان، روایت اول را از واقعیت‌های نبرد ارائه می‌کرد. یک نمونه آشکار آن تجاوزهای دردناک اسرائیلی‌ها به زنان و کودکان غزه بود که حماس با روایت درست و دقیق روح و روان جهان را درگیر کرد. اما حماس برای ساخت روایت، دست به ساخت رویداد و واقعیت هم می‌زد. ساخت واقعیت به معنای رویداد معنادار و رسانه‌ای که بتواند مخاطب را با حقایق میدان آشنا کند. اقدامات نمادینی که یک نمونه آشکارش در همین تبادل اسرا صورت می‌گیرد.

اما همه این موارد یک سوی ماجراست. سوی اصلی، روایت عمیق و باطنی از صحنه مبارزه است. دیدن درست به اندازه روایت درست اهمیت دارد. تنها یک مجاهد است که می‌تواند عمق الهی رویداد را دقیق و عمیق ببیند و از ظواهر عبور کند تا سنجیده روایت کند. درس‌های رسانه‌ای حماس به اندازه هویت مقاومت با اهمیت است. چه بسا درس اصلی اینجاست که آنچه به رسانه حماس قدرت بخشید همان هویت مقاومت است. دو هویت نیستند. رسانه به مقاومت ضمیمه نشده است. یک هویت اند که یک جا در صحنه نبرد خود را نشان می‌دهند و یک جا در صحنه ذهن و دل.

روایت حماس از میدان، به واسطه نگاه توحیدی و قدرت ایمانی‌شان باعث شد جان دنیا را درگیر سازند و طبیعی است که بنا به سنت الهی نصرت و برکت تکوینی نیز به این جهاد رسانه‌ای مدد می‌دهد. حرف تمام است.



چه کسی تحقیر شد؟

این صحنه VAR نمی‌خواهد!

رژیم صهیونیستی با وجود آزادی ۶ اسیر این رژیم در مرحله هفتم تبادل اسیران، زیر تعهد خود زده و از آزادی ۶۰۰ اسیر فلسطینی امتناع کرد. بهانه دولت نتانیا، آزار و تحقیر اسیران از سوی حماس به هنگام آزادی آنها عنوان شده است.

اما این صحنه به قول ورزشی‌ها VAR (کمک داور) ویدئویی/بازیکنی (تصویر) نمی‌خواهد. دنیا دیروز در پخش مستقیم مراسم دید که چه اتفاقی رخ داد و آیا اسیران مورد توهین قرار گرفتند، یا این دولت درممانده نتانیا بود که تحقیر شد؟!

هنگامی که نظامی صهیونیست سر و پیشانی رزمندگان فلسطینی را بوسید، همچنان که از رفتار خوب رزمندگان با اسیران اسرائیل حکایت می‌کرد، به معنای بحران هویت در رژیم صهیونیستی و گسیخته شدن روابط عاطفی ضعیف نظامیان صهیونیست با دولت اسرائیل بود. اسیران اسرائیلی ظرف ۱۵ ماه به چشم خود دیدند که ارتش آنها به دستور نتانیا، غزه را به قصد کشتن اسیران رژیم بمباران می‌کند و هیچ رحمی حتی نسبت به نظامیان خود ندارد.

این تصاویر، به عنوان سند در ماندگی و از هم گسیختگی داخلی رژیم صهیونیستی بر پیشانی تاریخ قاب خواهد شد.

امتناع از تعهد آزادی اسیران فلسطینی، نشان می‌دهد که تصویر اسیر صهیونیست هنگام بوسه بر پیشانی رزمندگان مقاومت، جقدر برای مقامات اسرائیل، گران آمده و دردناک بوده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و فشارهای بین‌المللی



اسرائیل عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) نیست و بنابراین تعهدی برای پذیرش نظارت‌های آژانس ندارد. تأسیسات هسته‌ای اسرائیل، به‌ویژه تأسیسات هسته‌ای دیمونا، یکی از نقاط اصلی نگرانی‌ها در رابطه با برنامه هسته‌ای این کشور است.

اسرائیل هیچ‌گاه به‌طور رسمی داشتن سلاح هسته‌ای را تأیید نکرده است، اما بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که این کشور دارای کلاهک‌های هسته‌ای است. با این حال، آژانس هیچ‌گونه نظارت مستقیمی بر تأسیسات هسته‌ای اسرائیل ندارد و این کشور از بازرسی‌های آژانس معاف است.

این درحالی است که مبنای بسیاری از اتهام‌زنی‌های آژانس به ایران گزارش‌های جعلی است که سازمان‌های جاسوسی وابسته به اسرائیل به آژانس ارائه داده و حتی نتانیا، دامنه این اتهامات را به سازمان ملل نیز کشانده است. در حالی که ایران تحت شدیدترین نظارت‌ها قرار دارد، اسرائیل که برنامه هسته‌ای خود را به طور پنهانی ادامه می‌دهد، از بازرسی‌های آژانس معاف است. این تفاوت برخورد ناشی از فشارهای سیاسی و حمایت‌های بین‌المللی از اسرائیل، به‌ویژه از سوی ایالات متحده، است و

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به عنوان نهاد نظارتی اصلی بر اجرای پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، وظیفه دارد تا برنامه‌های هسته‌ای کشورهای مختلف را تحت نظارت خود قرار دهد. این نظارت‌ها که با ادعای اطمینان از اینکه هیچ کشوری به دنبال تولید سلاح هسته‌ای نباشد، انجام می‌شود. مورد ایران با سایر کشورها با تبعیضی آشکار اعمال می‌شود. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در روابط ایران و آژانس، این است که ایران با وجود همکاری‌های مداوم و شفافیت در زمینه برنامه هسته‌ای خود، تحت نظارت‌های شدیدتر و فشارهای سیاسی بیشتری قرار دارد. این در حالی است که برخی کشورها که برنامه‌های هسته‌ای مشکوک یا حتی اعلام‌نشده دارند، با برخوردهای ملایم‌تری از سوی آژانس روبرو می‌شوند. به‌طور مثال، در حالی که ایران تحت نظارت‌های دقیق و مکرر آژانس قرار دارد، برخی کشورهای دیگر که سیاست‌های مشابهی را دنبال می‌کنند، از نظارت‌های کمتر سخت‌گیرانه بهره‌مند می‌شوند.

یکی دیگر از چالش‌های جدی در رابطه با نظارت آژانس بر برنامه هسته‌ای کشورهای مختلف، مسئله اسرائیل است.

هم‌زمان ایران در مواجهه با فشارهای بین‌المللی و انتقادهای مداوم از برنامه هسته‌ای خود، مجبور به پذیرش نظارت‌های دقیق آژانس شده است. این تفاوت‌ها، علاوه بر ایجاد احساس بی‌عدالتی برای ایران، نشان‌دهنده این است که آژانس تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و فشارهای بین‌المللی قرار دارد و قادر نیست همواره با یک رویکرد فنی و بی‌طرفانه به مسائل هسته‌ای کشورهای مختلف بپردازد.



تحریم‌های جدید نفتی آمریکا علیه ایران

دولت دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران، اسامی چندین فرد و شرکت‌های مرتبط با جمهوری اسلامی ایران را در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

تحریم‌های جدید وزارت‌خانه‌های خارجه و خزانه داری آمریکا علیه تجارت نفت ایران، اولین گام مشترک آنها از کارزار جدید فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران است. به گفته تامی بروس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، وزارت خزانه داری ۱۶ نهاد و کشتی را تحریم کرده است، در حالی که وزارت خارجه و وزارت خزانه داری به صورت مشترک ۲۲ نفر دیگر و ۱۳ کشتی را تحریم کرده‌اند.

وزارت خزانه داری آمریکا مدعی شد: در میان کسانی که امروز تحریم شده‌اند، دلانان نفت در امارات متحده عربی و هنگ کنگ، اپراتورها و مدیران نفتکش در هند و چین، رئیس شرکت ملی نفت ایران و شرکت پایانه‌های نفتی ایران هستند که فعالیت‌های آنها به تامین مالی فعالیت‌های بی ثبات‌کننده این کشور کمک می‌کند. کشتی‌هایی که امروز تحریم شده‌اند مسوول حمل‌ده‌ها میلیون بشکه نفت خام به ارزش صدها میلیون دلار هستند.

زنجیره ارزش پتروشیمی؛ رمز ارزآوری

علی‌رضاعلی‌اکبری

آمارها نشان می‌دهد که روند واردات محصولات پتروشیمی در ایران رو به افزایش است، به طوری که در سال ۱۴۰۲ به رقم قابل توجه ۱.۹۹ میلیارد دلار رسیده است. نکته قابل تأمل اینجاست که حدود ۷۰ درصد از ارزش این واردات، قابلیت تولید در داخل کشور را دارد.

یکی از چالش‌های اصلی در این حوزه، عدم توازن در توسعه زنجیره‌های ارزش است. در حالی که ۷۰ درصد ظرفیت تولید محصولات پایه در ایران به متانول و اتیلن اختصاص دارد، زنجیره پروپیلن که در سطح جهانی اهمیت راهبردی دارد، تنها ۳ درصد از ظرفیت تولید داخلی را شامل می‌شود. این عدم توازن منجر به واردات حدود ۱ میلیارد دلاری محصولات زنجیره پروپیلن شده است.

توسعه هدفمند زنجیره ارزش پروپیلن می‌تواند علاوه بر کاهش وابستگی به واردات، به رشد صنایع پایین‌دستی مانند تولید پلاستیک، الیاف مصنوعی و محصولات بهداشتی کمک کند. این امر نه تنها موجب اشتغال‌زایی و افزایش صادرات غیرنفتی می‌شود، بلکه می‌تواند جایگاه ایران را در بازار جهانی پتروشیمی ارتقا دهد.

نقش رییس سازمان برنامه و بودجه در گرانی‌های اخیر

بهمین ماه نشان دادن به طوری که طبق گزارش مرکز آمار ایران تورم ماهانه بهمین به عدد ۳۰.۵۵ رسید و نسبت به ماه قبل ۴.۱ درصد افزایش یافت که بیشترین افزایش از اسفند ۱۴۰۱ است. این روزها در شرایطی که در چند روز آتی جلسه استیضاح وزیر اقتصاد برگزار خواهد شد، نباید از نقش رئیس سازمان برنامه و بودجه در التهابات ارزی اخیر غافل ماند. به گفته کارشناسان اولین پالس گرانی و التهاب در بازارها توسط سازمان برنامه و بودجه صادر شد. مشخصاً در بودجه ۱۴۰۴ ارزش کالاهای اساسی حدود ۳ میلیارد دلار کم شده و نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ متناسب با تورم تا انتهای سال افزایش یافته است، این در حالی است که بیش از چهار الی

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس چگونه غذای خود را تامین می‌کنند؟



در سال ۲۰۲۲، شاخص جهانی امنیت غذایی، همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) را در ۵۰ کشور برتر از نظر غذایی در جهان قرار داد. جالب اینکه همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس حتی بالاتر از هند و برزیل، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان مواد غذایی در جهان، قرار دارند. دستیابی به درجه بالایی از امنیت غذایی، برای مناطقی که ۸۵ درصد مواد غذایی خود را وارد می‌کنند، از اهمیت بالایی برخوردار است. تجارت دوجانبه بین آفریقا-شورای همکاری خلیج فارس و آسیای جنوبی-شورای همکاری خلیج فارس امنیت غذایی را تقویت کرده که برای مشارکت سه جانبه بین آسیای جنوبی، خلیج فارس و آفریقا در راستای «تنوع سرمایه‌گذاری کشاورزی در خارج از کشور» امری ضروری است.

مشارکت تجاری در جنوب آسیا و سرمایه‌گذاری مستقیم در آفریقا

واردات مواد غذایی GCC در سال ۲۰۲۲ به ۳۴.۱۵ میلیارد تن رسید که عربستان و امارات حدود ۸۰ درصد از کل واردات کشاورزی منطقه را به خود اختصاص دادند. آسیای جنوبی (به ویژه هند) در صادرات مواد غذایی به شورای همکاری خلیج فارس جایگاه برتر دارد. این تجارت مواد غذایی توسط شرکت‌های تجاری ساختاریافته تسهیل می‌شود. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۲، امارات و هند بر سر یک کریدور امنیت غذایی به ارزش ۷ میلیارد دلار طی توافقنامه مشارکت اقتصادی جامع (CEPA) به توافق رسیدند که مزارع هند را مستقیماً به بنادر امارات متصل کنند که تجارت مواد غذایی بین دو کشور افزایش یافت. مشارکت مشابهی از طریق کمربند آسیای جنوبی و شورای همکاری خلیج فارس با امضای توافقنامه تجارت آزاد (FTA) با پاکستان با تمرکز بر واردات مواد غذایی ثبت شد.

در مقابل، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بیشتر درگیر تولید و حمل و نقل غذا در آفریقا هستند. در نتیجه، شورای همکاری خلیج فارس امنیت غذایی خود را با تصاحب مستقیم زمین در آفریقا که ۶۰ درصد از زمین‌های زراعی کشت نشده جهان را در خود جای داده، تقویت کرده است. تقاضای غذا در خلیج فارس بسیار متفاوت است، به طوری که واردات محصولات کشاورزی امارات (۳۹ میلیارد دلار) و عربستان سعودی (۲۰ میلیارد دلار) از آفریقا بسیار بیشتر از کشورهایمانند قطر (۱.۵ میلیارد دلار) و عمان (۶۶۷ میلیون دلار) است. این مراودات در میزان سرمایه‌گذاری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در آفریقا ریشه دارد. در حالی که امارات، عربستان، قطر و کویت دارای زمین‌های کشاورزی بزرگ در سودان هستند، کنیا و تانزانیا به ترتیب از قطر و عربستان سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی بیشتری دریافت می‌کنند. از این زمین‌ها برای کشت محصولاتمانند غلات و میوه‌ها استفاده می‌شود که متناسب با نیازهای رژیم غذایی GCC هستند. به عنوان مثال، عربستان سعودی مزرعه برنج ۱۵ هزار هکتاری را در اتیوپی توسعه داده و برنامه‌هایی برای کشت تا ۵۰۰ هزار هکتار دارد.

مثلی آسیای جنوبی-خلیج فارس-آفریقا

رویکرد شورای همکاری خلیج فارس به امنیت غذایی در آسیای جنوبی و آفریقا، فرصت‌هایی را برای تشکیل این مثلث همکاری فراهم می‌کند. جنوب آسیا به تخصص کشاورزی پیشرفته کمک می‌کند، شورای همکاری خلیج فارس منابع مالی را فراهم می‌کند و آفریقا زمین‌های زراعی دست‌نخورده وسیعی را ارائه می‌دهد. پیشرفت‌های فن‌آوری جنوب آسیا در کشاورزی مانند نرم‌افزار مدیریت محصول و بذریه‌های تقویت‌شده ژنتیکی، راهکارهایی را برای افزایش بهره‌وری در کشاورزی آفریقا ارائه می‌دهد. در نتیجه، شرکت‌های فناوری کشاورزی آسیای جنوبی می‌توانند عملکرد مزارع تحت حمایت GCC در آفریقا را بهبود بخشند و تهدیدات تغییرات آب و هوایی را برطرف می‌کنند.

حمایت از همکاری‌های مشابه جنوب-جنوب با همکاری صندوق توسعه سرمایه سازمان ملل متحد برای گسترش

فناوری‌های کشاورزی هند به آسیا و آفریقا افزایش یافته است. با این حال، این مشارکت‌ها محدود و متمرکز بر هند و آفریقا هستند. گسترش این مشارکت‌ها می‌تواند به سایر کشورهای جنوب آسیا، به ویژه اقتصادهای کشاورزی قوی‌تر مانند پاکستان و بنگلادش، برای دسترسی به بازارهای جدید کمک کند.

مثلث‌سازی این مناطق مزایای مهمی برای همه دارد. برای جنوب آسیا، این مشارکت بازارهای جدیدی را برای گسترش نوآوری‌های کشاورزی و تقویت رشد صادرات محور و گسترش همکاری‌های موجود باز می‌کند. خلیج فارس هم می‌تواند این مشارکت‌ها را تسهیل کند و هم از آن‌ها بهره‌مند شود. این امر امنیت غذایی شورای همکاری خلیج فارس را با افزایش بهره‌وری زمین و تضمین سهمی در فناوری کشاورزی نوظهور افزایش می‌دهد. تقویت ثبات اقتصادی در آفریقا و جنوب آسیا به شورای همکاری خلیج فارس کمک می‌کند تا شرکای تجاری پایدار و ارتباط ژئوپلیتیکی را به دست آورد. فراتر از امنیت غذایی، این مشارکت‌ها بر اساس جاه طلبی‌های موجود شورای همکاری خلیج فارس، به ویژه امارات و عربستان سعودی، برای تبدیل شدن به یک هاب لجستیک جهانی است.

آفریقا همچنین از توسعه شتابان کشاورزی حاصل بدون سرمایه‌گذاری‌های سنگین تحقیق و توسعه که معمولاً برای چنین پیشرفت‌هایی لازم است، سود می‌برد. تزریق شیوه‌های اثبات شده از جنوب آسیا، با حمایت سرمایه‌گذاری شورای همکاری خلیج فارس، می‌تواند به آفریقا در غلبه بر چالش‌های بهره‌وری طولانی مدت و بهبود رشد کمک کند. در حالی که این فناوری‌ها ممکن است برای اولین بار در زمین‌های کشاورزی تحت حمایت شورای همکاری خلیج فارس به کار گرفته شوند، اما از طریق انتقال دانش در میان جمعیت‌های محلی، مزایایی خواهند داشت.

چهار ستون اصلی در تجارت کشاورزی ائتلاف سه‌گانه

هر چند مزایای این مثلث مشهود بوده، اما تعریف ستون‌های چنین مشارکتی مهم است. در این راستا، چهار ستون اساسی وجود دارد: ۱- مذاکرات به رهبری شورای همکاری خلیج فارس، ۲- مشارکت‌های تجاری ساختاریافته، ۳- ادغام با چارچوب‌های تجاری موجود و ۴- مشارکت بخش خصوصی در تجارت مواد غذایی. این ستون‌ها به صورت مجزا کار نمی‌کنند، بلکه برای تقویت رویکرد مثلثی همکاری دارند.

با تکیه بر ستون اول، رهبری شورای همکاری خلیج فارس در تسهیل مذاکرات بین آسیای جنوبی و آفریقا برای ایجاد قراردادهای آزاد تجاری جامع که یک کریدور یکپارچه امنیت غذایی در سه منطقه ایجاد می‌کند، تاثیرگذار خواهد بود. برای تقویت ستون دوم مشارکت‌های ساختاریافته، این قراردادهای آزاد تجاری باید از کاهش تعرفه فراتر رفته و شامل انتقال فناوری، توسعه زیرساخت‌ها و اهداف پایدار شود. علاوه بر این، یک مدل موفق از مثلث‌سازی از ستون سوم موافقت‌نامه‌های تجاری موجود، مانند CEPA هند و امارات و منطقه تجارت آزاد قاره آفریقا (AfCFTA) استفاده می‌کند. برای موفقیت چنین سیاست تجاری، ستون‌های پذیرش بخش خصوصی بسیار مهم است. این توافقنامه‌ها باید با مشورت بازیگران پیشرو بخش خصوصی، به ویژه شرکت‌های فناوری مواد غذایی در جنوب آسیا توسعه یابد.



ضرورت امروز فضای اقتصادی کشور، حذف رانت‌هاست

عباس تابش

دکتر عباس تابش مدیرعامل سابق سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو درباره چالش‌ها و الزامات رشد ۸ درصدی اقتصاد اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین الزامات تحقق رشد اقتصادی ۸ درصد این است که دولت به بخش خصوصی اعم از بانک خصوصی و تولیدکننده خصوصی اعتماد کند.

وی با بیان اینکه دولت مجری خوبی در اقتصاد نیست و باید از اقتصاد بیرون بیاید افزود: اگر همه معتقد بودند که واگذاری اقتصاد دولتی به بخش خصوصی باعث کاهش قدرت دولت نمی‌شود الان اوضاع اقتصادی کشورمان به مراتب بهتر از این وضعیت کنونی بود.

مدیرعامل سابق سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان معتقد است که بنگاه‌داران خصولتی مضرتر از بنگاه‌داران دولتی هستند؛ چون در بنگاه‌های دولتی برعکس بنگاه‌های خصولتی امکان نظارت مستقیم وجود دارد.

تابش رشد اقتصادی کشور را در گرو دو مؤلفه افزایش منابع و افزایش بهره‌وری دانست و گفت: تحریم‌ها در شدیدترین حالت ممکن ۴۰ درصد روی اقتصاد تاثیرگذارند که اگر فراسات و هوشیاری به خرج دهیم و از فرصت هم‌مرز بودن با ۱۵ کشور و از فرصت قربت فرهنگی با مردمان این کشورها استفاده کنیم می‌توانیم این ۴۰ درصد را به ۲۰ درصد هم برسانیم.

وی با بیان اینکه بهره‌وری ۵۰ درصد از اقتصاد کشورهای دنیا را تشکیل می‌دهد افزود: اگر سهم بهره‌وری در اقتصاد کشورمان به ۴۰ درصد برسد ۲۴ درصد از رشد اقتصادی محقق خواهد شد. متوسط هر تن صادرات دنیا هزار دلار است و این در حالی است که متوسط رقم صادرات کشور ما ۳۵۰ دلار است.

مدیرعامل سابق سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در رادیو گفت‌وگو، عدم استفاده از مدیران کارآمد و نیروی کار کارآمد و وجود فساد را از مصادیق بهره‌وری پایین عنوان کرد و گفت: ما شاهد مدل‌های مختلف لابی برای انتصاب افراد در منطقه‌های مدیریتی هستیم که به شدت باعث کاهش بهره‌وری در اقتصاد کشور شدند.

تابش با تصریح بر اینکه ما کشور را بسیار گران اداره می‌کنیم افزود: مردم تأثیر یارانه‌ها را در سفره‌های خود نمی‌بینند؛ لذا نیمه بر لیوان امروز فضای اقتصادی کشور، حذف رانت‌هاست. وی در ادامه این مطلب گفت: اگر درآمد حاصل از آزادسازی پول انرژی و درآمد حاصل از قاچاق و رانت از این محل را شفاف کنیم و به مردم ارائه دهیم مردم قطعاً راضی می‌شوند. همچنین در ادامه این برنامه، دکتر علیرضا محقق از پژوهشگران حوزه پولی و بانکی کشور بیان کرد: از سال ۱۳۸۴ که سند چشم‌انداز بیست‌ساله منتشر شد رشد اقتصادی ۸ درصدی بر سر زبان‌ها افتاد و در برخی سال‌ها هم این رشد را تجربه کردیم؛ اما از زمان شروع تحریم‌ها و قطع درآمدهای نفتی کشور، به رشد ۴ درصدی رسیدیم و درآمد سرانه کشور نیز حدود ۲۳ درصد کاهش یافت.

وی با اشاره به اینکه بانکداری خصوصی باعث انباشت ناترازی شد و در سال ۱۳۹۷ هم با جهش‌های تومی خود را به جامعه تحمیل کرد افزود: تصور ما از بانک تا قبل از نیمه دوم دهه ۹۰ این بود که بانک یک بنگاه اقتصادی است و وجود بانک خصوصی باعث رقابت با بانک دولتی و افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت خدمات‌رسانی به مشتریان می‌شود در صورتی که ما هیچ درکی از پدیده بانک مدرن و پول مدرن نداشتیم. پژوهشگر حوزه پولی و بانکی در ادامه تصریح کرد: بخشی از هسته مرکزی تورم در کشور ما به بانک‌های ناتراز برمی‌گردد که مستقیماً از پول مردم برای منافع شخصی خود استفاده می‌کنند.

محقق در ادامه این مطلب متذکر شد: این‌طور نیست که همه بانک‌های خصوصی ناسالم باشند؛ چون در حال حاضر بانک‌های خصوصی در کشور هستند که دارای بسیار بالا و فعالیت باکیفیتی در کشور دارند؛ اما برخی بانک‌های خصوصی هم اساساً باهدف رانت و به‌اشتباه و تبلیغات فراوان بزرگ شدند.

وی با بیان اینکه رشد اقتصادی کشورمان در میان‌مدت به شدت وابسته به فروش نفت و سرمایه‌گذاری دولت است گفت: ما در شرایطی که ساختار پرداخت رسمی نداریم و با حواله عمل می‌کنیم باید شرکای جدید اقتصادی پیدا کنیم. پژوهشگر حوزه پولی و بانکی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو تأکید کرد: رشد اقتصادی ۸ درصد بدون مصمم بودن حاکمیت در اصلاحات نهادی و اعتماد به بخش خصوصی امکان‌پذیر نیست.

چه زمانی سینمای انقلابی تبدیل به سینمای ارگانی شد؟

رامتین شهبازی - رضاصدیق

نشست تخصصی «سینمای انقلابی امکان یا امتناع؟» به همت کانون اندیشه جوان برگزار شد و در آن رامتین شهبازی، استاد سینما و کارشناس و منتقد سینما و رضا صدیق، کارشناس و منتقد سینمایی به بحث و تبادل نظر پرداختند. محور این جلسه تأملی بر سیر سینما در عصر انقلاب اسلامی و موضوع بحث امکان یا امتناع سینمای انقلاب اسلامی بود. به عبارت دیگر، به این مسئله پرداخته شد که آیا توانسته‌ایم به مفهومی به نام سینمای انقلاب دست یابیم یا خیر؟

در این زمینه رویکردهای متفاوتی وجود دارد. یک رویکرد بر این باور است که پس از وقوع انقلاب اسلامی، پدیده‌ای به نام سینمای انقلاب با گفتمان و نگاه ایدئولوژیک خاص خود و همچنین ساختار و محتوای ویژه‌اش شکل گرفت. در مقابل، نگاهی دیگر وجود دارد که معتقد است ما اساساً نتوانسته‌ایم چنین مفهومی را محقق کنیم یا به آن برسیم و در مورد مفهوم یا اساس پیدایش آن سؤالاتی وجود دارد.

■ وقتی «قهرمان» یکی از نمادهای سینمای ایران است!

رامتین شهبازی مدرس و منتقد سینما، در این نشست درباره تاریخ سینما و تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر این صنعت گفت: وقتی درباره تاریخ سینما صحبت می‌کنیم، سال ۱۳۵۷ را نقطه عطفی می‌دانیم که دوره قبل از خود را از آن جدا می‌کند. اتفاقاتی پس از این سال رخ می‌دهد که ما را به سال ۵۷ می‌رساند. اگر بخواهیم به مفهوم انقلاب به صورت بدوی نگاه کنیم، باید بگوییم که انقلاب به عنوان یک رخداد تعریف می‌شود که مسیری را متوقف کرده و آن را به سمت دیگری تغییر می‌دهد. طبیعتاً در سال ۱۳۵۷ این اتفاق می‌افتد و زمینه‌های تحول اجتماعی از سال ۱۳۴۲ شروع به شکل‌گیری می‌کند اما این تحولات تأثیری بر محصولات فرهنگی نمی‌گذارد و تفکر طاغوتی و پهلوی تا سال ۵۷ و حتی سال‌های ۵۸ و ۵۹ همچنان وجود دارد. شما در سال‌های بعد از انقلاب نیز فیلم‌هایی می‌بینید که تولید می‌شوند و برخی از آنها به مسائل حجاب و موضوعات دیگر پرداخته‌اند.

وی به تغییرات سینما در سال‌های ۵۷ تا ۶۰ اشاره کرد و توضیح داد: در این زمان با شروع جنگ تحمیلی، ارگان‌هایی مانند سازمان تبلیغات اسلامی وارد عرصه سینما می‌شوند و فیلم‌هایی تولید می‌کنند. در آن زمان، کارگردانی مانند رسول ملاقلی پور و محسن مخملباف به تئورسین‌های فرهنگی در بخش سینما تبدیل شدند. جالب است که در آن سال‌ها هنرهای نمایشی مانند تئاتر به اندازه سینما پیشرفت نکردند و آثار مطرحی از آن دوره در تئاتر وجود ندارد. در سینما اما مصداق‌های انقلابی بیشتری دیده می‌شود. سینما به خاطر تأثیرگذاری و برشی که در جامعه ایجاد می‌کند، به چند بخش تقسیم می‌شود. مثلاً سینمای جنگ به دو شاخه مجزا تقسیم می‌شود؛ یک سینما برای تهییج احساسات و دیگری برای روایت واقعیت‌ها.

■ پس از انقلاب، سینمای اجتماعی و سینمای ملودرام شکل گرفت که در آن نقد به قوانین و مسائل اجتماعی مشاهده می‌شد. سینما از سیستم تهیه‌کنندگی سنتی خارج شد و به تعاونی‌ها و گروه‌های جدید وارد شد

شهبازی با بیان اینکه با هدف اینکه مخاطبان را به شرکت در جنگ ترغیب کرده و حتی فضایی اکشن به فیلم‌ها اضافه کنند در واقع، فیلم‌های پر فروش هم تولید شدند، تشریح کرد: اولین فیلمی که ساخته شد، فیلم «مرز» به کارگردانی جمشید حیدری است که بازیگران مطرحی مانند مرحوم داوود رشیدی در آن حضور داشتند. این فیلم یک اکشن جنگی است که فارغ از زمان وقوع، به ماجرای روز خود اشاره دارد. اما این فیلم بنیادهای انقلاب اسلامی را در بر ندارد؛ صرفاً یک اکشن جنگی است. از سوی دیگر، نهادهایی مانند سازمان تبلیغات اسلامی تأسیس می‌شوند و فعالیت‌های خود را آغاز می‌کنند. شما به ناگاه شاهد فیلم‌هایی از رسول ملاقلی‌پور هستید که شامل مستندها و دیگر آثار مرتبط با انقلاب و مسائل آن هستند. مثلاً فیلم «بایکوت» از محسن مخملباف نیز در این دسته قرار می‌گیرد. همچنین فیلم‌هایی با تم‌های مذهبی نیز تولید می‌شود. اگر بخواهیم شاخصه‌ای را برای سینمای دفاع مقدس در دهه ۶۰ نام ببریم، شاخص اول «پرواز در شب» رسول ملاقلی‌پور و شاخص آخر «دیده‌بان» حاتمی‌کیا است. در فیلم «پرواز در شب»، گفتمان‌های مذهبی و انقلابی به وضوح دیده می‌شود. این فیلم به واقعه عاشورا اشاره دارد و شخصیت شهید مهدی نریمان را به تصویر می‌کشد که برای هم‌زمانش آب می‌آورد و سپس به شهادت می‌رسد. این قهرمان یکی از نمادهای سینمای ایران است.

وی همچنین گفت: فیلم «ایستاده می‌میرد» نیز نشان‌دهنده مفاهیم انقلابی و گفتمان‌های مرتبط با آن است. ما در این آثار، نسبت‌های بینامتنی را مشاهده می‌کنیم که مفهوم شهید در



نیاز پرده‌نقره‌ای به «کلاه قرمزی و پسر خاله»

کیان‌اتصا دیق‌مقدم

■ سینما را به ۳۰ سال قبل برگردانید

«سینمای ایران در سال ۱۳۷۳ بیش از ۵۶ میلیون نفر مخاطب داشت؛ آنچه که خوانده شد مروری بر اخبار سینمایی ۳۰ سال گذشته است. موضوعی که این‌روزها برای سینماداران دور از ذهن و غیرقابل باور است. براساس اطلاعات موجود در سالنامه‌های آماری فروش، سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ پر مخاطب‌ترین روزهای سینما بودند؛ روزهایی که فیلم‌هایی چون «کلاه قرمزی و پسر خاله»، «پرواز از اردوگاه»، «خواهران غریب» و آدم برفی روی پرده بودند و مخاطبان میلیونی را با خود همراه کردند.

بعد از سال ۱۳۷۶ به‌مرور زمان سینما با کاهش جدی مخاطب مواجه شد. جنس تولید آثار تغییر کرده و فیلمسازان تنها راه کشاندن مخاطب را به سالن سینما تولید آثاری کم‌درد می‌دانند؛ کم‌دردی‌های سخیفی که مضمون و موضوع مشخصی را دنبال نمی‌کنند و تنها با شوخی‌هایی که بعضاً جنسی هم هستند، مخاطب را به خنده وادار می‌کنند.

حالا بعد از گذشت ۲۷ سال، آمار فروش گیشه، از نزدیک شدن سینما به روزهای پر مخاطب خبر می‌دهد. سینما در سال ۱۴۰۳ با اختلاف ۶ میلیون نفری موفق شده تا به سال‌های شلوغ سال ۱۳۷۶ نزدیک شود و ۲۳ میلیون و ۸۰۰ هزار مخاطب را با خود همراه کند.

نکته قابل توجه دیگر اینکه در دهه ۷۰ و اوایل ۸۰ کمتر فیلمی با ژانر کم‌درد به‌عنوان پر فروش‌ترین اثر سینمایی سال انتخاب می‌شد و اسامی آثاری با ژانرهای کودک و نوجوان و درام هم در میان پر فروش‌ها دیده می‌شد، اما در چند سال اخیر آثار درام و کودک و نوجوان کمتر مورد توجه قرار گرفته و عمده فیلم‌های پر فروش مربوط به کم‌دردی‌ها هستند. نمونه بارز هم فیلم سینمایی «فسیل» به کارگردانی بهرام افشاری که تا به امروز ۳۲۴ میلیارد و ۷۶۳ میلیون تومان فروخته و بدون احتساب تورم و قیمت بلیت، تبدیل به پر فروش‌ترین اثر سینمای ایران شده است.

«سپنج» برنامه‌های ماه رمضان نمایش خانگی شد



فصل جدید برنامه «سپنج» به تهیه‌کنندگی حسین ربانی هم‌زمان با شروع ماه رمضان از فیلمیو بخش می‌شود. در این برنامه علی درستکار میزبان اندیشمندان و مفاخر ایران است و با شعار گذر از روزمرگی و هدف دعوت به تفکر گفت‌وگویی محض را تقدیم مخاطبان این برنامه می‌کند.

تا کنون ۲۴ برگ از کتاب سپنج با حضور چهره‌هایی مثل علی نصیریان، فاضل نظری، ساعد یاقری، محمد بهشتی، ژاله آموزگار، نوش آفرین انصاری و... ورق خورده و قرار است در این فصل به صفحه ۵۰ ام خود برسد.

علی درستکار از مجریان نام آشنا و قدیمی تلویزیون است که در دهه‌های گذشته اجرای برنامه‌های مختلف گفت‌وگو محور با موضوعات دینی و مذهبی را بر عهده داشت و برنامه این شب‌ها یکی از برنامه‌های پر بازدید تلویزیون در دهه ۹۰ بود که با استقبال مخاطبان هم همراه بود. اختلاف نظر و سلیقه مدیران تلویزیون با درستکار باعث شد این مجری بعد از موفقیت برنامه «این شب‌ها» دیگر با تلویزیون همکاری نکند و سپنج را می‌توان بازگشت مجدد او به عرصه تصویر دانست.



در دوران پیش از انقلاب شاهد تئاتر و سینمای انقلابی هستیم اما پس از انقلاب، آنچه وجود دارد برآمده از ایده‌ای است که انقلاب تثبیت کرده است.

وی با اشاره به دوگانه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تصریح کرد: انقلاب در ایران با خود یک مانیفست، مشابه تمام انقلاب‌های دیگر در دنیا به همراه می‌آورد. این مانیفست شامل ضدیت با استعمار، عدالت‌خواهی برای مستضعفین و ایده‌های مشابه است. حال از دل این ایده‌ها و این انقلاب، یک حاکمیت بر سر کار می‌آید که جوهره مرکزی را شکل می‌دهد تا حکمرانی کند. این ایده حکمرانی باید به‌طور مداوم خود را با ایده مانیفستی انقلاب تطبیق دهد.

■ چه زمانی سینمای انقلابی تبدیل به سینمای ارگانی شد؟

صدیق با اشاره به اینکه هر چیزی که تولید می‌شود، طبق آن ایده مرکزی عمل می‌کند و نسبت به آن لحن خاصی دارد، گفت: وقتی فیلم «بلمی به سوی ساحل» را مشاهده می‌کنید، متوجه می‌شوید که عوامل فیلم در حال شهید شدن هستند. این نشان‌دهنده این است که آنها در وسط یک رخداد واقعی قرار دارند. ما در واقع از ۵۷ تا ۶۷ ده سال زندگی در رخدادها داشتیم و آنچه تولید شده، دقیقاً سینمای انقلابی به معنای واقعی کلمه است اما پس از این دوره، دیگر سینمای انقلابی وجود ندارد، بلکه سینمای ارگانی شکل می‌گیرد که قرار است یادآور ایده‌های مانیفست انقلاب باشد. این سینما تا اواسط دهه ۸۰ و اواخر دهه ۸۰ تلاش می‌کند که این کار را انجام دهد و برخی آثار نیز تولید می‌کند اما قدرت حاکمیت ارگانی که وجود دارد، منحصر به فرد است. مثلاً فیلم «موج مرده» بر اساس همان ایده انقلابی حرکت می‌کند. ایده انقلابی به معنای اعتراض مداوم نسبت به قدرت مرکزی و وضعیت موجود است؛ یعنی باید دائماً پرسش کرد که مستضعفین چه شدند و عدالت کجاست.

■ ما دیگر سینمای انقلابی نداریم، بلکه سینمای ارگانی داریم که ارتباطش با انقلاب کم شده است

این منتقد سینما بیان کرد: سینمای انقلاب در حال حاضر فعالیت‌هایی دارد اما از زمانی که این موضوع به یک چک‌لیست تبدیل شد، به‌ویژه از اواخر دهه ۹۰، شاهد تغییرات اساسی هستیم. به‌عنوان مثال، مؤسسات مختلفی مانند مؤسسه اوج و روایت فتح به جذب بودجه مشغول شدند. این تغییرات به نوعی انقلاب را از درون تهی کردند. ما دیگر سینمای انقلابی نداریم، بلکه سینمای ارگانی داریم که ارتباطش با انقلاب کم شده است. وقتی فیلم‌های اوج را تماشا می‌کنیم، می‌بینیم که شخصیت اصلی مدام با یک مقام بالادستی در حال دعوا و ترمد است. این نوع روایت، ایده انقلابی را نفی می‌کند و به‌جای آن، مفهوم انقلابی بودن را به ما می‌دهد که در واقع انقلابی نیست.

وی گفت: در این فصل جدید، سینمای انقلاب تنها به چند فیلم محدود نمی‌شود. به عنوان مثال، «ژانسی شیشه‌ای» که با تمسک به مانیفست انقلاب اسلامی سال ۵۷ شکل گرفت، درباره انزوایی که در دوره نوسازی ایجاد شده بود، بحث می‌کند. باوجود فیلم‌هایی که در دهه اول انقلاب به مسائل انسانی پرداخته‌اند، در مقایسه با وقایع بعدی مانند جنگ سوریه و لبنان، سینمای انقلابی مشابهی تولید نشده است.

صدیق در پایان تأکید کرد که سینمای امروز به دلیل نیازدگی و فربه شدن از دنیا نتوانسته خروجی‌های مشابهی همچون سینمای دفاع مقدس تولید کند.

جمهوری اسلامی را با واقعه عاشورا پیوند می‌دهد. این مباحث سال‌هاست که مورد توجه قرار گرفته و تبیین شده‌اند. در ادامه، به «دیده‌بان» می‌رسیم که دیگر به درگیری‌های فیزیکی جنگ نمی‌پردازد بلکه به شخصیت‌هایی می‌پردازد که از انقلاب اسلامی انتظار داریم. این شخصیت‌ها، متولد سینمای بعد از انقلاب هستند. به نظر من، بعد از انقلاب و به ویژه پس از سال ۱۳۶۰، دو مسیر سینمایی داریم؛ یک مسیر که از قبل از انقلاب ادامه دارد و دیگری که با محوریت مفاهیم انقلاب و دفاع مقدس ظهور پیدا کرده است.

این مدرس دانشگاه، از تغییرات سینمای ایران پس از انقلاب گفت و افزود: پس از انقلاب، سینمای اجتماعی و سینمای ملودرام شکل گرفت که در آن نقد به قوانین و مسائل اجتماعی مشاهده می‌شد. سینما از سیستم تهیه‌کنندگی سنتی خارج شد و به تعاونی‌ها و گروه‌های جدید وارد شد. در دهه ۶۰ و ۷۰، با جنگ تحمیلی، سینمای اکشن و فیلم‌های مرتبط با جنگ ظهور کرد که الگوهای سینمای جنگی آمریکایی و ویتنام را به خود گرفت.

سینمای ایران پس از این رویداد به شکلی شکل می‌گیرد که امروز آن را می‌شناسیم و چارچوب‌ها و ساختارهای خاص خود را دارد. این سینما در نتیجه دیالکتیک بین نیروهای موافق و مخالف، منتقدان و غیرمنتقدان، و همچنین جریان اصلی و حاکمیت شکل گرفته است

شهبازی به تأثیرات سینمای معنوی نیز اشاره کرد و گفت: سینمای معنوی نیازمند افرادی است که فراتر از نگاه معمول فیلمسازی به موضوعات بپردازند. این افراد باید ارتباط خاصی با خداوند داشته و تجربه انقلاب را درک کرده باشند. رسول ملاقلی‌پور به عنوان یک مثال بارز از این دست افراد است.

■ سینمای انقلابی امروز بیشتر شبیه ماکت است تا واقعیات انقلاب!

رضا صدیق منتقد سینما، نیز درباره تحولات سینمای ایران پس از انقلاب گفت: به طور کلی باور دارم که در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که کلمات و مفاهیم دچار قلب شده‌اند مثلاً یک نفر می‌گوید انگور و دیگری می‌گوید عنب، اما هر دو منظورشان یک چیز است. امروز ما هر دو انگور را می‌گوئیم اما معانی متفاوتی داریم. ما دچار تکثر معانی شده‌ایم. بنابراین، لازم است که در ابتدای هر موضوعی یک بازتعریف داشته باشیم. انقلاب لحظه‌ای است که نیروی اجتماعی جمع شده و در یک آن، یک تغییر اساسی رخ می‌دهد. این لحظه فقط در آن زمان قابل فهم است و نه قبل و نه بعد از آن استمرار دارد. استمرار انقلاب در بازتعریف خود و نقد مداوم آن است.

وی با بیان اینکه مفهوم انقلاب را باید به‌دقت بررسی کنیم، اظهار کرد: سینمای پیش از انقلاب و پس از آن به دلیل تغییرات اساسی که در جامعه رخ داده، دچار تحولاتی شده است. سینمای ایران پس از این رویداد به شکلی شکل می‌گیرد که امروز آن را می‌شناسیم و چارچوب‌ها و ساختارهای خاص خود را دارد. این سینما در نتیجه دیالکتیک بین نیروهای موافق و مخالف، منتقدان و غیرمنتقدان و همچنین جریان اصلی و حاکمیت شکل گرفته است.

صدیق با بیان اینکه اگر بخواهیم بگوییم که سینمای انقلاب داریم، این یک نقض غرض است، گفت: سینمای انقلاب پیش از وقوع انقلاب نیز معنا دارد به عنوان مثال، فیلم‌هایی مانند «نبرد الجزیره» و «گوزن‌ها» و «قیصر» را داریم که فیلم‌های اعتراضی محسوب می‌شوند. در تئاتر نیز این موضوع بسیار پررنگ‌تر است، زیرا جریانات چپ و ضدسیستم در آن زمان فعال بودند. انقلاب خود را در تضاد با ایده‌های مرکزی تعریف می‌کند و بنابراین ما

سید حسن یک رسانه منحصر به فرد بود



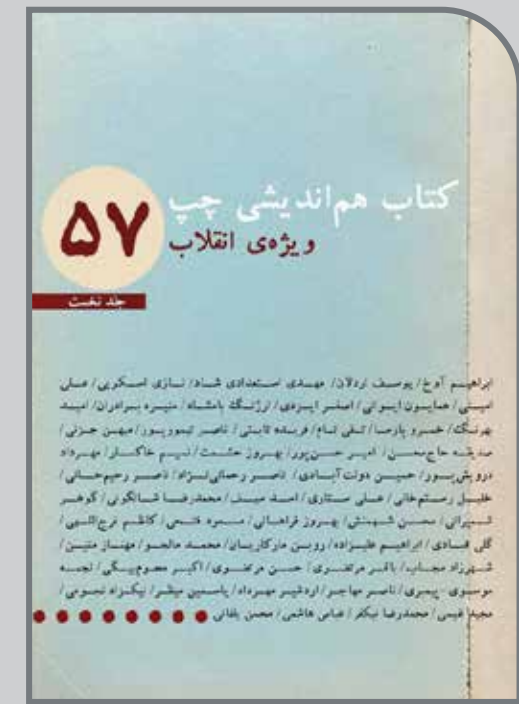
وحید یامین‌پور، نویسنده کتاب «عربیکا» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:
سال گذشته که من بیروت رفتم و یک هفته و شاید کمتر از ده روز از آغاز طوفان الاقصی گذشته بود به این نیت رفتم که بتوان آنجا کاری کرد. در کتاب خود نوشتم عامدانه با توصیه یکی از دوستان با پاسپورت معمولی رفتم که سفارت درگیر سفر من نشود. احساس می‌کردم لبنان در مرحله حساسی است و یک شور درونی بود که نمی‌توانستم آن را ببینم و این در متن زندگی من قرار گرفته بود. جنگ که مستقیم به لبنان رسید قبل از شهادت سید حسن نصرالله، سه روز قبل از شهادت سید، من به هر جایی که می‌دانستم تماس می‌گرفتم تا امکانی فراهم شود و ما اعزام شویم.

بنایی برای نوشتن این کتاب نداشتیم. کتابی را شهریور ماه تمام کرده بودم و به ناشر داده بودم و ویراستاری آن تمام شده بود و طرح جلد و صفحه‌بندی و همه کارها تمام شده و قرار بود دی ماه منتشر شود. خیلی کتاب مهمی برای من بود.

نه دشمنی داریم ولی تصویر یک ایرانی از پاکستان چیست؟
حقیقتاً در آنجا و در آن جغرافیا و متن سیاست چه جایگاهی دارند و مشکلات آنها چیست؟

چه فارسی و چه غیرفارسی ارزش‌های خبری اقتصادی دارد که نور را در جایی می‌تابانید که مسئله در آنجا وجود دارد و مهم‌ترین مسئله در منطقه ما، مسئله جنگ، انفجار، ترور و امثال آن بوده است. ما معمولاً از این نقطه با فلسطین تماس پیدا کردیم حتی از خود فلسطین تصاویری را که در اینستاگرام مثلاً از کرانه باختری است، ببینید متحیر می‌شوید که این فلسطین است که چنین شهر و خیابان‌هایی دارد و برای زندگی جای دیگری است. چون ارزش‌های اولیه این اقتضا را داشته که لحظه ترور را نشان دهد. رسانه‌های جریان اصلی با ما نیز این کار را می‌کنند. به عنوان مثال تصویری که ما از پاکستان داریم. ما نه با پاکستان دشمن هستیم و

به نظر می‌رسد کار رسانه و ژورنالیسم همیشه این است. شاید نشود انتظار داشت برای مخاطب عام فرصت این پیش بیاید که از فرصت پیچیدگی‌های امر سیاست در لبنان بگویند و شاید حوصله‌اش نشود. با این وجود اگر از من بپرسید که آیا ما گفتیم یا اهتمامی داشتیم؟ می‌گویم بله! خود من برخی از اطلاعاتی که درباره تاریخ سیاسی لبنان یا بافت جمعیتی لبنان لازم داشتیم، از برخی از برنامه‌های تحلیلی و مستندهایی گرفتم که خود تلویزیون پخش می‌کرد. به طور مثال در ایام جنگ چند ماهه اخیر شبکه مستند، مستندهای بسیار خوبی درباره پیچیدگی‌های امر سیاسی در لبنان، درباره گذشته لبنان، درباره جنگ داخلی لبنان، درباره شکل‌گیری تشکیلات حزب‌الله پخش کرده است.



کتاب «هم‌اندیشی چپ ویژه انقلاب ۵۷» منتشر شد

از انقلاب ۵۷ نزدیک به نیم قرن گذشت؛ از انقلابی، با قیامی، که امید بود آزادی بیاورد و نیابرد. و امید بود رفاه و عدالت بیاورد و نیابرد.
نزدیک به نیم قرن از انقلابی، با قیامی، گذشت که به وعده‌ی سفره‌ای نان و سقفی بر سر، از دست‌های خالی پل ساخت و بر شانه‌های خسته سوار شد و گرسنه را به حراج کلیه‌ی واداشت و گود نشین را به گور خوابی.
این گونه بود که فضای ذهنی همه‌ی این نیم قرن تا امروز اشباع شد از بی‌شمار پرسش:

چرا انقلاب شد؟ و چرا و چگونه به سرنوشتی چنین دچار شد؟ راز شکستی چنین سنگین در چه بود؟
آیا انقلاب ۵۷ گریزناپذیر بود؟

چگونه بود که در ماه‌های مشرف به بهمن ۵۷، در سراسر سپهر سیاسی کشور، گروه و گرایشی یافت نمی‌شد که در خیزش عمومی حضوری نداشته باشد و نقشی نپذیرفته باشد؟

و چرا منهای بخشی از دهقانان، طبقه‌ی اجتماعی دیگری نبود که در آن ماه‌ها به قطار انقلاب سوار نشده باشد؟
در کندوکاو تاریخ، به‌عنوان مسئول تیره‌روزی و فلاکت کنونی، انگشت اتهام را می‌توان به سمت کدام جریان سیاسی یا اجتماعی گرفت؟

جایگاه و نقش چپ در انقلاب و شکست آن کجاست؟
امروز، سوژه‌ی رهایی‌بخش چطور تعریف می‌شود؟ و راه نجات از کدام سمت؟
زمینه‌های رشد راست افراطی و شبه‌فاشیست به چه اندازه است؟

این گرایش‌ها تحت کدام شرایط ممکن است موفق شوند توده‌ی امتیزه و بی‌شکل را به خدمت «ناجی» و «پیشوا»ی دیگری در آورند؟

از بهمن ۵۷ هر چه بیشتر دور شدیم و غبار فراموشی بر حافظه‌ها بیشتر نشست، بار ذهنی پاسخ‌هایی که به چنین پرسش‌هایی داده شده سنگین تر شد و راه بر جعل و فریب و وارونه‌سازی هموارتر. و نیز هر چه توده‌ی محروم و فرودست خسته‌تر، خشمگین‌تر و مایوس‌تر شده، و خود رهایی را دشوارتر یافته، قلب واقعیت‌ها آسان‌تر شده و هزینه‌اش کم‌تر. در چنین بزنگاهی است که بازمانده‌های فرقه‌ی پهلوی فضای روانی موجود را مناسب یافته‌اند و به سودای بازگشت به قدرت و تحمیل دور باطلی دیگر به تاریخ، از تاریخ‌خانه‌های لاس و گاس بیرون آمده‌اند. به کنار از مساعدت فضای ذهنی، این فرقه برای ریل‌گذاری افکار عمومی به داشتن پشتوانه‌های مادی بسیاری دلگرم است. می‌کوشد از منابع مالی هنگفت و هژمونی رسانه‌ای تا اطاق‌های فکر و حمایت شماری از دولت‌ها و برخی دستگاه‌های اطلاعاتی همه را به خدمت انحراف ذهنیت افکار عمومی و انقیاد آن در آورد.

رو در رو با چنین تهدیدهایی، پاسخ‌دادن به پرسش‌هایی که فضای عمومی را اشباع کرده ضرورتی است حیاتی؛ به‌ویژه از سوی کسانی که هم‌چنان بر حقایق قیام مردم علیه حکومت پهلوی باور دارند. هم‌اندیشی-چپ در عمل به این تکلیف می‌کوشد گامی بردارد و انتشار ویژه‌نامه‌ای که پیش رو دارید بخشی از این کوشش است. مجموعه‌ای که گرد آمده مقاله‌ها، یادداشت‌ها، گفت‌وگوها و اسناد، حاصل یاری و مشارکت بسیاری از نویسندگان، هنرمندان، کنش‌گران سیاسی و اجتماعی، پژوهش‌گران و تحلیل‌گران داخل و خارج کشور است که به دعوت ما پاسخ مثبت داده‌اند. ضمن قدردانی از یکایک آنان، لازم است تأکید شود

آنچه تا کنون انجام شده، تنها مقدمه‌ای است بر آنچه بسیار گسترده‌تر و فراگیرتر باید دنبال شود. با این امید که در گام‌های بعد از یاری و هم‌اندیشی طیف هر چه وسیع‌تری از افراد و گرایش‌های چپ برخوردار گردیم.

مثال‌های واقعی از تلاش‌های یانکی‌ها برای دستکاری افکار مردم ایران



مثال‌های بسیاری از تلاش یانکی‌ها برای دستکاری افکار عمومی در ایران با استفاده از ابزارهای جنگ شناختی وجود دارد. در زیر چند مثال که در فضای عمومی و رسانه‌های ایران به‌عنوان نمونه‌هایی از این دستکاری مطرح شده‌اند، آورده شده است. در تمام موارد ذیل ال‌ذکر شاهد شکست مفتضحانه آمریکایی‌ها توسط مردم بصیر ایران بوده‌ایم:

الف) حمایت از سکویای اینترنتی و رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی:

شبکه‌هایی مانند ایران اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی، من و تو، گروه جم، صدای آمریکا (VOA)، رادیو فردا و... به‌عنوان ابزارهایی برای جنگ روانی و شناختی علیه ایران مشغول به کار هستند. این رسانه‌ها در حال تلاش هستند که با پخش اخبار جهت‌دار و دارای سوگیری، بزرگ‌نمایی مشکلات داخلی ایران و ایجاد حس ناامیدی یا ترس در میان مردم، سعی در شکل‌دهی به افکار عمومی داشته‌اند. به عنوان مثال، پوشش گسترده اغتشاشات در ایران (مانند فتنه‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۸ یا ۱۴۰۱) با روایت‌هایی هماهنگ با اهداف سیاست خارجی آمریکا صورت گرفته است که با هدایت رهبر حکیم انقلاب اسلامی و بصیرت مردم در ایران شکست خورده‌اند.

ب) انتشار اطلاعات نادرست یا شایعات در فضای مجازی:
در سال‌های اخیر آمریکا و متحدانش از پلتفرم‌های اجتماعی مانند توئیتر (اکنون X)، اینستاگرام و تلگرام برای تولید و انتشار شایعات و اخبار جعلی استفاده کرده‌اند. مثلاً، در جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ پس از فوت مهسا امینی، حساب‌های کاربری جعلی یا ربات‌ها با حمایت‌های خارجی مانند شبکه ۸۲۰۰ رژیم صهیونی، منافقین، سلطنت طلبان و... اخبار جعلی را برای تحریک احساسات عمومی و ایجاد تفرقه منتشر کرده‌اند.

پ) عملیات روانی در آستانه درگیری‌های نظامی:
در سال ۲۰۱۹، پس از تنش‌های نظامی میان ایران و آمریکا (مانند هدف قراردادن پهپاد متجاوز آمریکایی توسط ایران)، آمریکا با استفاده از تهدیدات لفظی (مثل توئیتهای دونالد ترامپ) و جابه‌جایی نیروهای نظامی در خلیج فارس، سعی در ایجاد ترس و اضطراب در میان مردم

نکات مهم:
دستکاری افکار عمومی با جنگ شناختی معمولاً به‌صورت پنهان و غیرمستقیم انجام می‌شود، بنابراین تشخیص و یا تفکیک آن از تحولات طبیعی اجتماعی یا سیاسی دشوار است.

مواضع ترامپ بازگشت به ادبیات استعماری

مواضع اخیر شخص ترامپ، همه کسانی که با تاریخ روابط بین‌الملل و تاریخ تمدن آشنایی دارند را به یاد قرون ۱۶ و ۱۷، اقداماتی که پادشاهان مستبد و آغاز امریالیسم بزرگ در میان فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و پرتغالی‌ها ایجاد کرد، انداخت. متأسفانه ترامپ با نگاه موهومی که به روابط بین‌الملل، قوانین و حقوق بین‌الملل دارد، دیدگاه‌های بسیار نادری را در خصوص جغرافیا و سرزمین‌های دیگر کشورها بیان کرده است؛ از تغییر نام آبراه‌ها تا خرید سرزمین‌های مادری برخی نقاط، از جمله فلسطین.

به قول کارشناسان روابط بین‌الملل، مواضع ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش بیش از آنکه احمقانه به نظر برسد، خنده‌دار است و به جوک‌های بین‌المللی تبدیل شده است. در روزهای اخیر، او پس از اظهار نظر درباره برخی مسائل مشابه، در انتها جمله‌ای را نوشت که باعث تعجب بسیاری شد: «زنده باد پادشاه!» یا ترامپ دچار نوعی توهم شده یا تحت تأثیر مشاورانی قرار گرفته که درکی از تحولات بین‌المللی و چهارچوب‌های حقوقی و روابط بین‌الملل ندارند.

شاید آمریکا در پی بازگشت به دوران پادشاهان اروپایی باشد که این امر قطعاً و یقیناً برای هیچ‌یک از مقامات کشورهای دیگر و نهادهای بین‌المللی قابل قبول نخواهد بود. با این حال، باید منتظر ماند و دید که آیا ترامپ، که در برخی موارد همچون جهنم شنبه غزه عقب‌نشینی کرد، در سایر موضوعاتی که به آن‌ها اشاره شد، همچنان بر مواضع خود استوار خواهد ماند یا پس از مدتی حضور در کاخ سفید، نظراتش را با واقعیت‌های موجود تطبیق خواهد داد.»

استفاده از این ادبیات استعماری، تنها در ادبیات ترامپ مطرح شده و در آمریکا، عمومیت ندارد «بازگشت به این ادبیات استعماری هنوز در آمریکا عمومیت پیدا نکرده و اظهار نظرهای شاذ و غیرقابل تطبیق با حقوق بین‌الملل از جانب هم‌حزبی‌ها و حزب مخالف ترامپ به شدت منکوب شده است.

اما در مجموع می‌توان گفت مسئله افول اخلاقی که هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی و سیاسی در مواضع ترامپ کاملاً مشهود است. اقدامات او در دور اول ریاست‌جمهوری و پس از شکست در انتخابات بعدی نیز نشان از افول فکری، فرهنگی و اعتقادی جامعه آمریکایی دارد.»

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۶۵۲۰۵۸ - ۰۹۹۳۱۳۴۱۶۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۶۵۲۰۵۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON

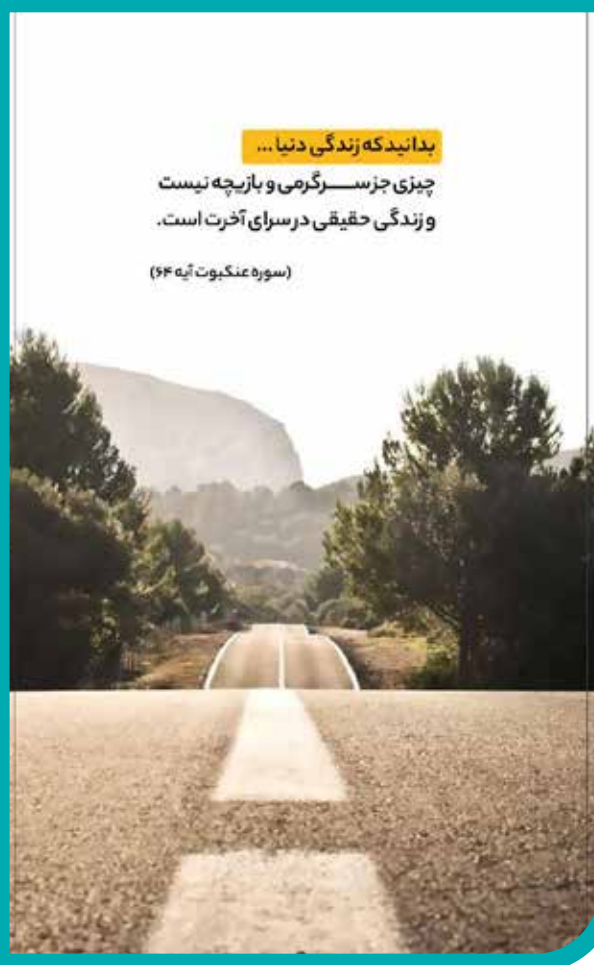


چه زمانی سینمای انقلابی تبدیل به سینمای ارگانی شد؟

سینمای انقلاب پیش از وقوع انقلاب نیز معنا دارد به عنوان مثال، فیلم‌هایی مانند «تبرد الجزیره» و «گوزن‌ها» و «قیصر» را داریم که فیلم‌های اعتراضی محسوب می‌شوند. در تئاتر نیز این موضوع بسیار پررنگ‌تر است، زیرا جریان‌های چپ و ضدسیستم در آن زمان فعال بودند.

مثال‌های واقعی از تلاش‌های یانکی‌ها برای دستکاری افکار مردم ایران

دستکاری افکار عمومی با جنگ شناختی معمولاً به صورت پنهان و غیرمستقیم انجام می‌شود، بنابراین تشخیص و یا تفکیک آن از تحولات طبیعی اجتماعی یا سیاسی دشوار است.



بدانید که زندگی دنیا...

چیزی جز سراسر گریه و بازچه نیست
وزندگی حقیقی در سرای آخرت است.

(سوره عنکبوت آیه ۶۴)

افول یک باشگاه بزرگ منچستر در آستانه فروپاشی

دنیاچیدری



نخست نتوانستیم مؤثر عمل کنیم. شرایط هر چقدر بد باشد، ما باید به ایده فوتبالی تیم وفادار باشیم.» هر چند فریادهای بین دو نیمه آموریم جواب داد و یونایتد توانست بازی باخته را به تساوی

بکشاند، اما کسب تنها یک امتیاز و ادامه حضور در رده‌های پایین جدول (پانزدهم) چیزی نیست که بتواند رضایت هواداران منچستر را به دنبال داشته باشد. با این روند حتی کسب سهمیه رقابت‌های اروپایی هم برای شاگردان آموریم به یک رؤیای دور از دسترس تبدیل شده است. آموریم بعد از تساوی سخت با اورتون گفت: «نمی‌دانم مشکل از کجاست. اگر می‌دانستم آن را حل می‌کردم، بدترین بخش عملکرد ما این است که بدون اینکه تحت فشار باشیم، توپ را از دست می‌دهیم و کارهایی را که باید انجام نمی‌دهیم، ولی باید هر طور شده دوام بیاوریم تا فصل تمام شود.» وضعیت منچستر اینقدر فاجعه‌بار شده که دیگر صدای همه را در آورده است. ریو فردیناند، ستاره سال‌های دور منچستر می‌گوید: «فکر نمی‌کنم تیمی بدتر از این یونایتد را تا به حال دیده باشم. در همه جنبه‌ها شرم‌آور هستند. چیزی که هرگز قابل بخشش نیست، کمبود جنگندگی و میل به پیروزی است. بازیکنان حتی به حریف نزدیک هم نمی‌شوند!»

حال و احوال این روزهای منچستریونایتد را کمتر کسی باور می‌کند. منچستر افسانه‌ای، منچستری که بیش از یک دهه بر فوتبال انگلستان و اروپا فرمانروایی می‌کرد، امروز هیچ نشانی از آن تیم بزرگ و دست‌نیافتنی ندارد. منچستریونایتد رسماً در لبه پرتگاه قرار گرفته و آنچه در زمین دیده می‌شود فقط بخشی از ماجرای فروپاشی یونایتد است. بخشی که جلوی چشم هواداران و علاقه‌مندان به این تیم در سراسر جهان قرار دارد. عدم نتیجه‌گیری‌های منچستر و سقوط این تیم به رده‌های پایینی جدول لیگ برتر انگلستان ضرر و زیان‌های هنگفت ملی را هم در پی داشته است. براساس گزارش سایت اتلتیک، بدهی این باشگاه بابت نقل‌وانتقالات انجام شده به حدود ۳۶۰ میلیون یورو رسیده است. این رقم یکی از بالاترین‌ها در لیگ برتر است. در اصل، طی پنج سال گذشته منچستریونایتد مجموعاً ۴۵۰ میلیون یورو ضرر ثبت کرده که براساس آن، باشگاه قصد دارد بیش از ۱۰۰ نفر را از بخش‌های مختلف اخراج کند، آن هم در شرایطی که در بازسازی تابستان گذشته نیز ۲۵۰ شغل را حذف کرده بود. اوضاع در میدان مسابقه از این هم بدتر است. منچستر در هر بازی بیشتر از بازی قبل تحقیر می‌شود. عصر شنبه کار حتی به تمسخر هم کشیده شد، وقتی هواداران اورتون شعار سر دادند: «خدا حافظ یونایتد، دارید می‌رید پایین، دارید سقوط می‌کنید.» اورتون بازی را ۲ بر صفر پیش بود و این شعارها فقط برای تمسخر و تحقیر منچستر سر داده شد، شعارهایی که آموریم را وادار کرد به بازیکنان بی‌خیال و مسخ شده تیمش تشر بزند. این را فرناندز، کاپیتان منچستر می‌گوید: «آموریم در بین دو نیمه به شدت عصبانی بود و تأکید داشت باید به برنامه‌های از قبل تعیین شده پایبند باشیم. در نیمه

حضور مدال آوران المپیک تکواندو

در تورنمنت چین



رقابت‌های جام ریاست فدراسیون جهانی سوم و چهارم اردیبهشت ماه به میزبانی چین در شهر «تای آن» برگزار خواهد شد. بر همین اساس تیم ملی ایران در هر دو گروه بانوان در این دوره از مسابقات که از سری رقابت‌های G3 است و ۳۰ امتیاز در رنکینگ المپیک دارد، حضور پیدا خواهد کرد.

برد تیم ملی بسکتبال در دیداری تشریفاتی و یک طرفه برابر قزاقستان



برد تیم ملی بسکتبال در دیداری تشریفاتی و یک طرفه برابر قزاقستان
تیم ملی بسکتبال در چارچوب پنجره سوم انتخابی کاپ آسیا امروز (دوشنبه ۶ اسفند) در آستانه به مصاف قزاقستان رفت و موفق شد این تیم را با نتیجه ۸۸ بر ۴۵ شکست دهد.
تیم ملی ایران که در دیدار رفت (پنجره دوم) به خاطر غیبت قزاق‌ها در تهران برنده ۲۰ بر صفر بازی شده بود، موفق شد در یک دیدار طرفه حریفش را شکست دهد.
پیروزی در این دیدار بیشتر از ایران برای میزبان حائز اهمیت بود با این حال ملی پوشان بسکتبال کشورمان از همان ابتدا جریان بازی را به دست گرفتند و موفق شدند با دفاع کم نقص برابر حملات بازیکنان حریف و همچنین فرصت طلبی در استفاده از موقعیت‌های ایجاد شده به ویژه برای پرتاب سه امتیازی، دو کوارتر نخست را با اختلاف امتیاز بالا به سود خود تمام کنند طوری که برنده ۴۹ بر ۲۰ نیمه نخست شدند.

ایران هراسی تر فندنخ‌نما شده مدیران فوتبال

شیوانوروزی



ویلموتس و امثال آن مطلع هستید، لطفاً به جای توثیت زدن و مصاحبه، دست و پای دلان را قطع و تکلیف نیمکت استقلال را معلوم کنید.

پس از آنکه یک نفر گفت اینجا امنیت ندارد، فوراً قید همکاری با ما را برزندا مربی ایتالیایی اگر از امنیت و شرایط ایران اطمینان نداشت، اصلاً نه خودش و نه نمایندگانش حتی سر میز مذاکره با ما نمی‌نشستند. در ضمن خودش و مشاورانش آنقدر کار کشته و عاقل هستند که قبل از شروع مذاکرات، همه مسائل سیاسی و امنیتی کشور مقصد را از طریق منابع خودشان بررسی کنند و بعد کار را پیش ببرند. دیگر همه مربیان خارجی بیکار خوب می‌دانند با عقد قرارداد با یک تیم لیگ‌برتری پرتغدار ایرانی، حتی اگر ناکام مطلق باشند هم می‌توانند روی درآمد میلیون دلاری حساب کنند.
استقلال در آستانه دربی و بازی بزرگ با النصر در اوج بلاتکلیفی به سر می‌برد و پیش کشیدن بحث پلن‌های دوم و سوم نگران‌کننده و به نوعی تأیید ادامه این بلاتکلیفی است. در این و انفساً، تهدیدهای مدیر برنامه موسیماه را کجای دلمان بگذاریم! آقایانی که خودتان هم از عمق فاجعه

مربی آرژانتینی و برزیلی با دستمزد بالا بقبولاند، اما موفق نشدند. حالا به ماتزازی پیام می‌دهند ایران امن نیست، نیا! به هوادار می‌گویند ماتزازی دفاعی است، روی نیمکت نمی‌نشیند، قرارداد ترکمنجای است. همه کار می‌کنند تا نیا. از آن طرف نظری جویباری، مدیرعامل باشگاه ضمن تکذیب قرارداد ۴/۵ میلیون یورویی و همچنین هوشیار بودن نسبت به عدم تکرار افتضاح ویلموتس گیت، مدعی شده در صورت شکست پروژه ماتزازی، پلن‌های B و C را رو خواهند کرد.

با خواندن و شنیدن این اظهارنظرها، آن هم از سوی افرادی که خود را مدیرانی کاربلد، حرفه‌ای و فوتبالی می‌دانند، بیش از پیش دلمان به حال فوتبال کشورمان می‌سوزد. این اولین باری نیست که آقایان بعد از گره خوردن مذاکرات یا بهانه آوردن طرف خارجی، یاد دشمنان فرضی داخلی می‌افتند و ادعا می‌کنند ارسال پیام‌های مشکوک از ایران باعث تغییر نظر گزینه خارجی شده است.

با توجه به پیشرفت تکنولوژی و انتقال سریع و آسان اطلاعات در سطح بین‌الملل، در این دوره و زمانه باور چنین ادعایی امکان‌پذیر نیست. چطور ممکن است یک اروپایی برای آنکه تصمیم نهایی‌اش را برای حضور یا عدم حضور در ایران بگیرد، منتظر دریافت پیام برخی افراد از داخل ایران بماند و بلافاصله